



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه (۵) اسفندماه ۱۳۳۸

- فهرست مطالب:**
- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
  - ۲- تقدیم يك فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای قوام صدري معاون وزارت دارائی .
  - ۳- ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور .
  - ۴- تصویب صورت جلسه .
  - ۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس ساعت ده و پنج دقیقه صبح برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید -

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
- ۲- تقدیم يك فقره اصلاح بودجه بوسیله آقای قوام صدري معاون وزارت دارائی

رئیس - وارد دستور می شویم آقای قوام صدري بفرمائید

(شرح زیر خوانده شد)

### غائبین با اجازه آقایان:

**قوام صدري** (معاون وزارت دارائی) - با اجازه مقام محترم ریاست متن اصلاح بودجه ای است مربوط به بیمارستان فیروزگر که بایستی در کمیسیون محترم بودجه مورد بررسی قرار بگیرد تقدیم و تقاضای ارجاع بکمیسیون بودجه را دارم .

دکتر صدر - کریم بخش سعیدی - بانو دولشاهی  
دکتر متین - دکتر ملکی - رضازاده - پرویزی - ایلخانی پور  
مورگار - صادق سمعی - تیمسار وحدانیان - دکتر رشتی  
شیخ بهائی - معیری - دکتر اسفندیاری - سعیدوزیری - دیهم  
کتر ضیائی .

رئیس - بکمیسیون بودجه ارجاع می شود .

### غائبین تریض - آقایان :

- ۳ - ادامه بحث در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور

رئیس - کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور مطرح است . آقای دکتر عاملی بفرمائید .

مهندس زنجانی - دکتر عدل طباطبائی - ارسنجانی  
مهندس بهرام زاده - پاینده - دکتر بروتو اعظم - پوریابائی  
مهندس جلالی نوری - دکتر خزائی - تیمسار همايونی  
روستا - سلیمانی کاشانی - دکتر یگانگی - صدقیانی زاده  
مصطفائی - ظفر - مهندس معتمدی - موقر .

**دکتر عاملی تهرانی** - چنانچه آقای رئیس . همکاران ارجمند . پس از جلسه پزیشب بسیاری از همکاران ارجمند که حقیقتاً عنایت فرموده بودند و تادیر گناه تشریف داشتند

در خارج از جلسه خیلی اظهار عنایت نسبت به مطالبی که اشاره کرده بودم فرمودند و در حقیقت مرآت شوق کردند و من وظیفه خود میدانم که نسبت بتوجه این همکاران محترم و گرامی اظهار سپاسگزاری کنم در طی این یکی دو روز خوشوقت هستم که موجباتی پیش آمده که دولت طی يك اعلامیه رسمی قسمتی از عرایض مرا در مورد سیاست بازرگانی مؤسسات وابسته بدولت تأیید و تصدیق کرد چون دفعه گذشته قسمتی از مطالبی که بعرض رساندم در مورد نارسائی عملیات بازرگانی دولت بود با مؤسسات وابسته بدولت این تذکر را عرض کنم که با همه اعتقادی که ما داریم مبنی بر اینکه کار مردم بمردم سپرده شود اما هرگز این اعتقاد ما مبنی بر آن نیست که دولت در این امور بخواهد از خود سلب مسئولیت بکند (صحیح است) امور درمان را بهر نحوی که میدانید بهست مردم بسپارید اما سرانجام دولت مسئول سیاست درمانی خواهد بود اداره امور شهرها بهر نحو که میدانند و بر طبق مترقی ترین قوانین بدست مردم بسپارید اما سرانجام مسئول امور شهر خود دولت خواهد بود سیاست عمومی و سیاست مملکت نمیتواند این امور را از هم تفکیک کند شهر نا بسامان در يك کشور نمیتواند وجود داشته باشد اگر وجود داشته باشد دولت نمیتواند بگوید که در برابر این امر مسئولیتی ندارد بحکم آنکه نوعی قوانین سامان بخشیدن با مردم شهر را بمردم محول کرده است باعتقاد ما میان دولت و مردم فاصله ای نیست (صحیح است) و دولت و مردم دو مؤسسه نیستند دولت عبارت از آن دستگاهی است که نمایندگی مردم را دارد و از جانب مردم امور را اداره میکند و در برابر مردم مسئول است بنابراین ابتدا عرض کردم که دفعه گذشته انتقادهائی نسبت بروشهای بازرگانی دولت بود يك روش همیشگی در امور بازرگانی دولت اینست که همیشه بخود حق میدهند که هرگاه ضرورت داشته باشد که در نرخهایشان تجدید نظر بکنند تجدید نظر در نرخها برخلاف موازین عقلی و اقتصادی بکنند (صحیح است) تنها مؤسساتی که بخودشان اجازه میدهند

یکباره صد در صد دوست در صدر نرخها بیفزایند مؤسسات دولتی است و مؤسساتی که زیر حمایت دولت هستند بیک موردش همین مسئله اتوبوسرانی بود که نرخها افزوده شده بود مطبوعات تذکر دادند مورد توجه قرار نگرفت در مجلس تذکر داده شد. سؤال شد، باز هم مورد بررسی دقیق و صحیح قرار نگرفت و امروز ما باید با کمال اعتقاد و احترام یکبار دیگر با خلوص نیت نسبت بشاهنشاه ایران زمین احساس سپاسگزاری و قدردانی داشته باشیم بخاطر اینکه سرانجام دستور اکید و صریح ایشان سبب شده که بررسی سریعی در این باره بعمل بیاید خوشوقت هستم که دولت در يك اعلامیه اعلام داشت که نرخها محدود دوتا سه برابر افزایش یافته بود و بجماعت زیادی از مردم تهران تحمیل شده بود و خوشوقت هستم که لافلا تا این اندازه قاطعیت در کار بخرج دادند که وضع اتوبوسرانی را به وضع قبل برگردانند باین دلیل از اینکه سرانجام این موضوع بسیار مهم باین نحو مورد توجه و رسیدگی قرار گرفت و نتیجه نسبتاً قاطعی اعلام شد سپاسگزاری میکنم و یکبار دیگر از جانب همه مردم شهر تهران از پیشگاه شاهنشاه سپاسگزاری میکنم که سرانجام مثل موارد بسیار دیگر فرمان شاهانه ایشان سبب شده که باین مسئله بطور سریع و قاطعی رسیدگی بشود. پیرامون نکاتی که قبلاً بعرض رساندم صحبت از آموزش حرفه ای و تربیت معلم بود در این مورد من معتقد هستم و آثار بعنوان تذکری بعرض میرسانم باشد در تنظیم بودجه های سالهای آینده و روالها و رویه هائی که اتخاذ میشود مورد توجه قرار بگیرد باعتقاد من مفهوم هر انقلاب جز این نیست که باید تغییری در مفاهیم پیدا شود و پذیرفته گردد و بر اثر تغییر یک در مفاهیم پیش آمده است روشهای جدیدی در نظر گرفته شود و بموقع اجرا گذارده شود از جمله مفاهیمی که باید از نظام آموزشی مارت بربندد و دگرگون شود مفهوم جدا بودن مدرسه و محیط اجتماع و کار مدرسه و چرخهای تولید و دستگاههای ارائه دهنده خدمت است اینها از هم جدا نمیتواند باشند مدرسه میبایست این چرخها را هدایت و راهنمایی بکند و آنها را از لحاظ

نیروی انسانی تغذیه نماید در امر آموزش حرفه ای آنچه سبب نا کامی مانده است این است که ما همیشه خواسته ایم سازمانهای حرفه ای را در محوطه مدرسه تنظیم کنیم در واحدهائی که گو اینکه مجهز به وسائل دقیق و وسائل جدید است ولی از لحاظ اقتصادی روش مشخصی ندارد و راه کار سود آوری را نشان نمیدهد يك محیط مصنوعی برای کار آموزی هرگز نمیتواند موفقیت از جهت تربیت پرسنل شایسته داشته باشد ما اگر این امر را قبول کنیم که محیطهای آموزش حرفه ای ما محیطهای واقعی باشند محیط هائی که بر اساس اقتصادی اداره میشود بر اساس اقتصادی کارش گردش دارد در آن صورت خواهیم توانست تغییر اساسی در وضع نظام آموزش حرفه ای ایجاد کنیم چه اشکالی دارد همین کارگاه هائی که امروز هست کارگاههای صنعتی کارگاههای فنی و مؤسسات گوناگونی که امروز وجود دارد اینها از يك دید آموزشی مورد بررسی قرار بگیرد و همین کارگاهها تجهیز بشود آماده بشود برای اینکه بتواند دانش آموز و دانشجوی حرفه ای را در خود قبول کند و برعکس چه اشکال دارد که دستگاه هائی که ما در محوطه هائی انباشته کرده ایم و از آن فقط چند ساعت در روز استفاده میکنیم برای کار آموزی دانشجویان در هایش بروی بازار کار باز بشود و شروع بکند بعنوان يك مؤسسه تولیدی کار بکنند و نمونه يك کار موفق را نشان دهند و نمونه يك خدمت موفق را نشان بدهند در عین حال وظیفه کار آموزی خود را به عهده داشته باشند این چنین تدریسی در سطح کلی قابل بررسی است و میتواند اساس کلی ایجاد بکند برای دگرگون کردن نظام آموزش حرفه ای ما که تاکنون متأسفانه يك نظام غیر موفق بوده بدلات ارقام و گزارش هائی که در بودجه منعکس هست ما در برابر نهصد هزار دانش آموز متوسطه فقط سی و چهار هزار دانش آموز در سیستم حرفه ای خودمان داریم و اجازه نمیدانم که عرض کنم این سی و چهار هزار شامل آن قسمت از کار آموزی هائی که برای مبارزه باتکدی بوده نیز هست یعنی در حقیقت آن قسمت خالصی که زیر عنوان برنامه حرفه ای وزارت آموزش و پرورش میتواند قرار بگیرد تنها سی و هفت هزار نفر در برابر نهصد هزار نفر را

در بر گرفته و این رقم بسیار کوچکی است و این رقم باین دلیل پیدا شده که تا صحبت شد از مدرسه حرفه ای فوراً بفکر این افتاده ایم که انباری از تجهیزات و وسایل را در يك گوشه جمع بکنیم و از این وسائل و تجهیزات فقط در روز یکی دو ساعت بمنظور کار آموزی استفاده بکنیم و با چنین نگرشی ما قادر نخواهیم بود سیستم حرفه ای را توسعه بدهیم این تعمیر گاه ها و کارگاههای خصوصی را بایستی با آنها تماس پیدا کرد با کمکهای ساده ای آنها را مجهز کرد و از همین مؤسسات بعنوان کانونهای کار آموزی حرفه ای استفاده نمود در این صورت خون تازه ای بدستگاه آموزشی ما خواهد آمد از طریق فروش خدماتش و خون تازه ای بکالبد این صنایع نیمه جان خواهد رفت از طریق حمایت هائی که بوسیله دستگاه آموزشی ما خواهد شد بهر حال چون قرار است عرایض خود را آنچه میتوانم خلاصه کنم در مورد نظام آموزشی و آموزش حرفه ای بیش از این عرایضی نمیکم.

مسئله بسیار مهم دیگری هست که ما یعنی ما بان ایران نیست ها از نظر دیگری و از دیدگاه دیگری بان مینگریم و مجریان دستگاههای وزارت بهداشتی از دیدگاه دیگری بان مینگرند ولی بهر حال ما و آنها در يك صحنه بهم برخورد میکنیم و آن سیاست جمعیت است دیدگاهی که مادر این مسئله داریم و اجازه میخواهیم باختصار بعرض برسیم دیدگاه ما در این مسئله سیاست ملی است ملت يك مفهوم است که تمام هستی ماتمام سازمانهای ما را در بر میگیرد این مفهوم کلی تجزیه میشود بدو بخش یعنی با دو رمز و بادو کلمه میتوانیم به هستی ملت اشاره کنیم این دو کلمه عبارت است از خاک و خون، خاک رزم و نشانه ای است که به هستی طبیعی يك ملت به نیا خاکش، سرزمینش، بموجودیتهای طبیعی، به نعمتهائی که خداوند با او ارزانی داشته اشاره میکند و خون اشاره ای است بموجودیت انسانی و آنچه که از ثمره کوشش فکری و دستی گذشتگان و مردم امروز حاصل میشود بنابراین موجودیت يك ملت در سرزمین یعنی عامل جغرافیائی و در جمعیت و در ساخته های مردم یعنی در فرهنگ خلاصه میشود سیاست ملی سه شاخه اصیل دارد سیاست جغرافیائی، سیاست جمعیتی، سیاست فرهنگی که این سه در تمام اوقات و دقائق با هم توأم و همراه

هستند و این سه خصوصیت در هر زمان از تاریخ این ملت، تاریخ زنده این ملت و موجودیت این ملت گرفته میشود یعنی هیچکس سیاست جمعیت را حق ندارد از سلیقه خودش عرضه کند بلکه باید از علم سیاست عرضه کند همانطور که هیچ عنصر سیاسی و اداره کننده‌ای در مملکت حق این را ندارد که برای مملکت تنظیم سیاست جغرافیائی بکند بلکه باید از سیاست جغرافیائی مملکت تبعیت کند هیچ عنصری هم حق این را ندارد این را تنظیم بکند که ما چه مقدار جمعیت میخواهیم بلکه میبایست از سیاست جمعیت مملکت و ملت تبعیت کند و همین امر در مورد سیاست فرهنگی هم صادق است اجازه بفرمائید که در اینجا یک نکته‌ای را که کراراً در مذاکرات مجلس در مذاکرات مربوط به بودجه تکرار میشود مطرح نمایم و یک قدری این موضوع را بشکافیم ما باهم اتفاق نظر داریم اما اتفاق اصطلاح نداریم باید اتفاق اصطلاح پیدا کنیم بارها ما میگوئیم به عقاید خودمان ایمان داریم در مقابل میثتوم که میگویند ما عاشق افکار خودمان نیستیم اینها دو عقیده متفاوت نیست عقیده‌ای که ما میگوئیم در سطح دیگری است که شما هم به آن عقاید ایمان دارید و عاشقش هستید عقیده‌ای که شما میگوئید در سطح امور معاش است در سطح اموری است که انکاء دارد با تصمیمی که آن تصمیم میتواند مقهور اراده و افکار اشخاص بشود در این امور البته ما هم عاشق نیستیم در همین مسأله اتوبوس رانی اگر یکی گفت بلیت اتوبوس باید ۸ ریال باشد نباید عاشق حرف خودش باشد اگر ما هم گفتیم باید بلیت مجانی باشد ما هم نباید عاشق افکار خودمان باشیم و بگوئیم اینکه ما میگوئیم اتوبوس باید مجانی باشد یا بیکتران باشد حتماً هم منظور است اینها امور معاشی است اینها آنگونه اموری است که با ما بوجود میآید و با ما از بین میرود و در حدود عقل ما و در حدود عقل فردی است نباید به آن تعصب و رزید عاشقش هم نباید بود اما اموری هست که ما در قالبش بوجود میآیم آن امور برای ما و وظیفه ایجاد می کند ما در قالب زبان فارسی بوجود میآیم این قالب فکر و اندیشه ما را ساخته دنیای ما را ساخته این قالب برای ما وظیفه ایجاد می کند ما برای آن حقی ندازیم که تکلیف تعیین کنیم در

این اموری که مربوط به سیلان تاریخ است و آینده ما را میسازد جامعه آینده را میسازد روزگار آینده را میسازد نهضت‌های آینده را میسازد جهان آینده را میسازد مایک جزئی هستیم ما در این جزء فنا هستیم ما فقط میتوانیم وظیفه‌ای را احساس کنیم یا میتوانیم وجدان خودمان را خاموش و تاریک نگاه داریم و چیزی احساس نکنیم اگر مادر این مسیر چیزی را ادراک کنیم عقیده‌ای ما برسد این از تمام هستی ما رسیده این را ما باید عاشقش باشیم عشق جز این چیزی نیست (صحیح است) اعتقاد جز این چیزی نیست ایمان جز این چیزی نیست وقتی ما میگوئیم ایمان داریم یعنی ما در یک منظومه‌ای هستیم که جزئی هستیم این ارتباط را درک کرده ایم و ایمان هم به آن داریم نمیتوانیم به آن ایمان نداشته باشیم مگر در یک سیستم فکری که اساس پیوستگی‌ها و پیوندها از هم گسسته بشود آنوقت ایمان هم مطرح نخواهد بود در جهان زیر زمینی که عناصر پولساز دارند برای جوانها ایجاد می کنند مبنایش همین است جهانی دارند میسازند که درش پیوندی نیست وقتی پیوندی نبود ایمان نیست ما تا زمانی نسبت به موجودیت ملت خود احساس ایمان و اعتقاد و عشق می کنیم که این پیوند را درک می کنیم تا زمانی که این پیوند را درک می کنیم صحبت از ایمان داریم صحبت از فداکاری داریم صحبت از وظیفه داریم صحبت از احساس مسئولیت داریم همه این مسائل مطرح است آن اموری که میتوانیم کم و زیاد کنیم و عاشقش نباشیم آن در سطح دیگری است که مواجیت دارد ضرورت هم دارد ولی آن چنان نیست که ما بگوئیم از این لیوان آب نخور و از لیوان دیگر آب بخور این مهم نیست که عاشق این ظرف آب و این لیوان بشویم از لیوان دیگر هم می شود آب خورد ولی آیا اگر این وطن نباشد میشود عاشق وطن دیگری شد (نمایندگان - هرگز احسن است) این دیگر امکان ندارد اینجا است که آدم عاشق است اینجا است که آدم شیفته است اینجا است که آدم فریفته است و اینجا است که روی پایه‌های محکم میایستد میگوید همین است که هست مبنای ایمان و حرفهای محکم ما از

ارتباطها و پیوندهای واقعی و غیر قابل گسست و نیستی تا پذیر آغاز میشود پس ما در این مورد همانطور که عرض کردم وحدت عقیده داریم ولی وحدت اصطلاح نداریم وجود این صحبتها و سخنان يك فرصتی است که ما وحدت اصطلاح پیدا بکنیم ما هم در آن اموری که شما عاشق عقیده‌تان نیستید با شما موافقیم اصلاً آن مقام عشق نیست در آن مورد که چه باید سوار شد چه باید پوشید مقام عشق نیست و صحبت عشق نباید کرد ولی آنجائی که آرمان خواهی مطرح است عشق هم مطرح است یعنی آن اشتیاق غیر قابل انصراف مطرح است ما میخواهیم آنچنان جامعه‌ای را پرورش بدهیم و آنچنان سیستم پرورش داشته باشیم و باید داشته باشیم. اگر معتقدیم که باید انقلاب آموزشی داشته باشیم باید انقلاب پرورشی هم داشته باشیم وقتی انقلاب پرورشی کردیم مفاهیم جدیدی پیش میآید این مفاهیم را روی چه پایه‌ای میخواهیم بگذاریم و روی چه پایه‌ها میخواهیم قرار بدهیم؟ حزب بان ایرانیست میگوید باید روی پایه‌هایی که بشود بان ایمان داشت گذاشت روی آن افکاری که نمی شود ایمان داشت و در موردش باید شك داشت و دودل بود روی آن نباید پایه پرورش گذاشته شود پایه پرورش اجتماع را باید روی افکار و عقایدی گذاشت که بشود به آن ایمان داشت تا بشود از فرد خواست که فداکاری کند تا بشود از فرد خواست خودش را فدای مقاصد و آرمانهایش و اندیشه هایش بکند تا بشود از فرد خواست وظیفه قبول بکند تا بشود از فرد خواست احساس مسئولیت بکند این ها مفاهیمی است که بهم پیوستگی دارد اگر بنیان سستی ایجاد کنیم چطور ممکن است از فردی بتوانیم بخواهیم که ایمان داشته باشد اعتقاد داشته باشد عقیده داشته باشد برگردیم به سخن خودمان در مورد جمعیت ملت ما خارج از وجود ما وجود دارد ملت ما زائیده ذهن ما نیست ملت ما خارج از ذهن ما وجود دارد بموجب علم میباید این ملت را شناخت جمعیت این ملت هم بموجب يك علم شناخته می شود فرهنگ این ملت هم بموجب علم شناخته میشود

همانطور که جغرافیایش بموجب علم شناخته می شود از فرهنگ این ملت وظایفی برای ما حاصل می شود آنها می شود سیاست فرهنگی ما از خصوصیات جغرافیائی این ملت يك وظایفی زائیده می شود که می شود سیاست جغرافیائی ما که يك قسمت از این سیاست جغرافیائی مسئله دفاع و سیاستهای دفاعی است سیاست دفاعی ما تابع سیاست جغرافیائی است اعتبارش هم تابع کیفیت جغرافیائی ماست ما بدلیل اینکه يك سیاست جغرافیائی خاص و مرز های گسترده‌ای داریم مسائل متنوعی داریم نیازمند به سیاست دفاعی مخصوصی هستیم که اعتبارات خاصی هم ایجاب می کند در زمینه جمعیت هم خصوصیات جمعیت برای ما يك وظایفی را ایجاب می کند این خصوصیات بمانیگوئید در برابر کشور های بسیار پر جمعیت که گرداگرد وطن ما را گرفته است ، در تاریخ گذشته این ملت ها . تمایلات حرکت جمعیتش را بمانشان داده است یعنی جمعیت پررشدی در شرق ایران بوده است بارها تمایل به طغیان و طوفان خودش را نشان داده جمعیت پررشدی در غرب ایران بوده بارها تمایل به طغیان و تجاوز خودش را نشان داده است اینها را همه ما شناخته ایم و ما نمیتوانیم بگوئیم که جمعیتی که در شرق ایران قرار گرفته ضریب رشدش چقدر باشد یا طوفان تاریخی و طغیان تاریخی که ایجاد میکند چقدر باشد (پزشکپور - سرور عاملی متذکر بشوید که منظور از شرق شرق دور است) من شرق وطن خودمان را عرض می کنم همان شرقی که خاطرات تلخ هجوم مغول را از آن داریم همانطور که مسیلهای طبیعی را ما ایجاد نکرده ایم ولی وجود آنها میتواند ما را از خطر سیل آگاه نماید تا در برابر آن پیشگیری کنیم مسیل حرکتهای جمعیتی تاریخ را هم ما نساختیم شما هم نساختید حزب بان ایرانیست ساخته حزب ایران نوین هم ساخته این مسیل ها در تاریخ کنده شده اینها را ما میتوانیم فقط خطرش را پیش بینی کنیم و میتوانیم خطرش را پیش بینی نکنیم

سیاست جغرافیائی و جمعیت را اینگونه خصوصیات تعیین می کند و با این خصوصیات است که می فهمیم باهفته نفر در يك كيلومتر مربع در جهان امروز نمیتوان يك کشور زورمند و موفقی بود و نه در جهان فردا فرصتی برای زندگی اینگونه واحد های کوچک منظور خواهد شد تمام این سرزمین ها در طول تاریخ ما محسود بوده مورد حسادت بوده در آینده نیز در برابر ترکیب های جدید جمعیت آینده، و نظامات تمدن و فرهنگ آینده، که از امروز مشهود است باز هم سرزمین ما محسود خواهد بود و مورد حسادت خواهد بود مگر اینکه این سرزمین خود صاحب داشته باشد صاحب نیرومند و توانا که بتواند از موجودیتش دفاع کند از این منظر ما سیاست جمعیت میرسیم می فهمیم به جمعیت زیاد در آینده احتیاج داریم و امروز باید سیاست اجتماعی مامبتنی بر حمایت از جمعیت و دفاع از آن باشد وقتی ما از منظر خودمان از دیدگاه خودمان با بررسی های خودمان با اینجا میرسیم در مقابل می بینیم که يك سلسله تبلیغات دارد رواج پیدا می کند که دائماً وحشت از ازدیاد جمعیت را در این کشور بعنوان مختلف و رنگ های گوناگون بحث می کنند منم قبول دارم در دنیا جمعیت دارد زیاد می شود یعنی میفرمائید ما این مملکت را بگذاریم برای جمعیت غریبانی دنیای آینده (نمایندگان - هرگز) این سرزمین را برای غیر ایرانی بگذاریم؟ (نمایندگان - هرگز) ما میگوئیم این سرزمین را باید با ایرانی پر کرد والا جنگ آینده حوادث آینده و نیرنگ های آینده همه برای این خواهد بود که جمعیت طغیان کرده دنیای فردا را در کجا جا بدهند ما میگوئیم آنروزی که کسی بفکر بیفتد که بگوید صحرای لوت در اینجا خالی است و اینجا را می شود رفت و مصنوعاً آباد کرد و رفت در آنجا نشست ما باید این فکر را قبلاً کرده باشیم و باید وقایع دنیای آینده را دید و در برابر آن تصمیم گرفت دفاع باید داشت اما دفاع نهادی اعتبارات دفاعی لازم است ولی پرورش جمعیت و دفاع از جمعیت لازم است و مکمل آن امر لازم است. با همه این اوصاف برای اینکه شما نفرمائید ما امروز را از فردا جدا می کنیم نسبت به همین سیاست تنظیم خانواده که تقریباً فعالیت درجه يك وزارت بهداشتی شده

است يك فصل مشترکی گرفتیم از آنچه که ضرورت امروز است و ضرورت آینده است و این مطلب را باختصار عرض میروانم افزایش جمعیت ایران به وحشت از جمعیت نه یعنی اگر میخواهید تبلیغ کنید، درس بدهند، کارگزاران درس بدهند که آنها هم بروند درس بدهند اگر میخواهید سپاهیان دانش را درس بدهیم که آنها هم بروند درس بدهند بآنها توضیح بدهیم که هر جا میروند درس میدهند آنها هم بگویند که ما قبول داریم جمعیت در دنیا افزایش پیدا می کند اما در این کشور ما احتیاج به جمعیت داریم (خانم تربیت - اما جمعیت سالم اگر شما مثل من در بنگاه حمایت مادران باشید مادرهائی را می بینید که پنج و شش بچه زائیده اند و همه مرده اند با از هفت تا بچه یکیش مانده بگذارید بچه سالم بزاید و به مملکت جوانان سالم تحویل بدهد نه اینکه هم بچه از بین برود و هم مادر) (یک نفر از نمایندگان - چشم وزارت بهداشتی روشن) سخنرانان نشسته اجازه بفرمائید سخنران ایستاده صحبتش را بکند من عرض خود را میکنم خوشبختانه بحث بودجه فرصتش نامحدود است بعد شما هم توضیح بفرمائید. دلیل اعتقاد خود را که باید از جمعیت دفاع کنیم و حق نداریم سیاست وحشت از جمعیت را در ایران تبلیغ کنیم عرض کردم برای اینکه سیاست وحشت از جمعیت ممکن است القاء شبهه بکند و وقتی مردم را وادار کردیم که از جمعیت بترسند ممکن است بالمال در ذهنشان رسوخ کند و از جمعیت خودشان هم بترسند بلکه تنظیم خانواده باید کرد اما کاهش جمعیت نه خیلی مطلب ساده ای است يك خانواده را فرض کنید شما يك رقمی میرسید مثلاً میگوئید که خانواده ایرانی حد مطلوبش که با سیاست امروز و فردا ایمان تطبیق بکنند اینست که سه بچه داشته باشد این سه تا را معتقدیم تنظیم کنیم یعنی این سه تا بچه را در عرض ۱۰ سال داشته باشد نه در عرض دو سال تنظیم به، تنظیم بکنید برای اینکه بشود به بهداشتشان رسیدگی کرد (یک نفر از نمایندگان - ما هم همین را میگوئیم) تنظیم بلکه کاهش نه پس شما هم اگر همین عقیده را دارید و با کلام متفق هستیم، تنظیم بلکه کاهش نه پس اگر شما کاهش را نمیخواهید آن تبلیغات وحشت از جمعیت را که مال ما نیست تعطیل بکنید و در

ازای آن تبلیغات وحشت از جمعیت، يك تبلیغات ارشاد ملی ایجاد کنید که برای مردم روشن بشود که در دنیای آینده در چه شرایطی باید زندگانی کنند، در چه جوسیاسی باید زندگی کنند مسائل مشرق را باید از امروز جزء تاریخ و جغرافیا از دبستانها درس داد در مورد ارشاد ملی من عرایضی دارم و عرض همین است که این ملت را باید در شرایط حال و آینده اش تربیت کرد نباید بگوئیم دنیائی است مملو از صلح و صفا این آرزویمان است ولی واقعیت اینطور نیست این ۷۰۰ میلیونی که در کنار مرزهای ما میگرد و دائماً بر توانائی خودش در ساختن بمب اتمی می افزاید و به مجامع دنیا راهش نمیدهند تا دروغی زیر پیمان نامه منع گسترش سلاح های اتمی را امضا بکند اینها را برای چه می سازد؟ و برای چه میخواهد؟ آیا او هم برنامه تنظیم خانواده بر اساس وحشت از جمعیت اجرا می کند؟ یا میخورد و میگرد و صدای خودش را از مرزهای خودش بتمام دنیا میرساند و در گوشه و کنار دنیا برای تمام ملتها دارد مسأله ایجاد می کند کدام است؟ يك صلح خواهی خواب آور و واقعیت جهان فردا است یا این کشورهائی که با تمام نیرو و جمعیت خودشان میگرد و میخروشند؟ کدام واقعیت دنیای فردا است؟ در غرب مملکت ما چه خبر است؟ چه خبر است که آنها را و امیدارد کوشش کنند نام تاریخی خلیج فارس را بنام دیگری عوض کنند؟ چه خبر است؟ چرا؟ اینها قسمتی است از نقشه هائی که برای آینده دارند (یک نفر از نمایندگان - عقل ندانند) سبیل عقل دارد؟ طوفان عقل دارد؟ اینها واقعیت دارند اما من از عقلشان خبری ندارم این جریانهای جمعیت هم عقل ندارند من با شما هم عقیده هستم اما طبیعت و موجودیت دارند آن ملتهائی مصون میمانند که این موجودیتها را پیش بینی بکنند ولی آنهاست که باین نتیجه میرسند که چند کاریکاتور بکشند و خیال خودشان را آسوده کنند مصون نمی مانند از این میروند صحبت از همین است صحبت از عقل آنها نیست صحبت از خطر آنهاست پس اصل دوم تنظیم بلکه کاهش نه اصل سوم اینست که اقدامات چند وظیفه ای بمنظور حمایت از خانواده یله ایجاد کردن يك فعالیت منحصر برای اینکه بزنان یاد بدهند چگونه

جلو گیری بکنند این اقدامات باید متمرکز باشد بهداشت مادر. بهداشت کودک مراقبتهای قبل از ایمن مراقبتهای بعد از ایمن مجموع اینها باید در يك در مانگاه زیر يك سقف بیاید من این مراکز رفاه خانواده را که می بینم اینها مراکزی است که با شادی و خوشحالی از آن استقبال می کنیم بخاطر اینکه می بینم مراکزی ایجاد کرده اند در آن مرکز بچه مادری را که میخواهد برود کار کند در آنجا نگاه میدارند درس میدهند بخود مصادر در مواقع فراغتش درس میدهند او را با سواد می کنند او را با موازین بهداشتی آشنا می کنند بهداشت مادر و کودک را در این مراکز تأمین می کنند اینها اگر مجتمع باشد صحیح است ولی فعالیت تنظیم خانواده يك فعالیت جدا نیست جدا گانه نباید تبلیغ کرد این کار تالی فاسد دارد آنچه که شما در این راه منحصرراً بخواهید گسترش بدهید بفق خانواده نیست اما بضر اجتماع هست اینجا مجلس شورای ملی است و بعضی نکات را عفت عمومی اجازه نمیدهد عرض کنم و دقایقی را که در این مسأله هست بیشتر بشکافم شما جانی درست کنید که مادران بآنجا مراجعه کنند و از شما اندرز بگیرند جز این نکنید البته این را با انصاف قبول میکنیم که در اثر بررسی های خود وزارت بهداشتی و دولت و شاید هم يك مقدار بر اثر تذکراتی که داده شده است تاحدی باین امر توجه شده و این فعالیتها را درهم ادغام کردند و با هم اجرا میکنند مصلحت هم همین است صحیح هم همین است این فعالیتها باید با هم اجرا بشود جدای از هم بمصلحت نیست این نکاتی بود در مورد سیاست جمعیت آخرین مسأله ای که من همه ساله نسبت بان تذکراتی عرض میکنم و مورد بحث هم قرار میگیرد ولی بسادگی از آن میگذریم مسأله ارشاد ملی است و مسأله جوانان هنوز در این مورد مثل اینکه نتوانستیم آنچه را که حزب ما میگوید بیان کنیم حالا باختصار عرض میکنم که سرمایه ما جوانهای ما هستند آینده این مملکت را جوانها می سازند در وجود جوانها تمایلات سالم خلاقی هست این يك امر و يك واقعیت است در برابر این تمایلات سالم و خلاق در تمام دنیاه در کشور ما و در کشور ما کمتر در قطب های دیگر بیشتر

عناصری پولساز و فاسد منظور پولسازی از فساد استفاده میکنند از پیوندگسلی استفاده میکنند و یک موج جالب و جذاب تبلیغاتی در قالب داستانها و فیلمها باطراف و اکناف جهان و هر جا که زیر نفوذشان هست روانه میکنند این جریان سالمی که در وجود جوانها هست آن قدرت خلاقه که میخواهد خویش و قالب خودش را نشان بدهد در مقابل این موج مزاحمی که از نظر مادی بسیار پر است و از نظر معنوی بسیار تهی است این دو جریان با هم در تمام دنیا میجنگند منحصراً سیاست ارشاد ملی یعنی تقویت جریان اول و جلوگیری از جریان دوم ما نمیگوئیم چرا این لباس را میپوشید یا آن لباس را نمیپوشید این موزیک را میزنید مسأله این نیست مسأله این است که کی بآنها حرف میزند این حرفی که میزند از منشاء یک آرمانخواهی برخاسته؟ یا از قطبهایی که فقط پول می طلبد سرچشمه گرفته؟ حرف اینست شما همین سینماهای پایتخت را ببینید اینها در انحصار چند کمپانی خارجی است بعد ما صحبت از توسعه هنر ملی میکنیم نمیگذارند؛ این انحصار طلبانی که سالنهای سینمایی شمارا انحصار کرده اند نمیگذارند یک وقت در این کشور فیلم چنگیز خان را نشان دادند ما اعتراض کردیم و گفتیم در کجای دنیا دشمن خود را میستایند و کدام کشوری دشمن شماره یک خودش را میآورد روی پرده سینما. ستایش میکند ولی برای ما آوردند. اعتراض هم کردیم وزارت فرهنگ و هنر هم دنبال این مطلب را گرفت ولی زورش به انحصارگران سینما نرسید ما میگوئیم جلوی آنها را بگیرید ولی جلوی تمایلات سالم طبیعی آرمان خواه آن تمایل طبیعی که میبایست آینده مملکت ما را بسازد باز بگذارید این میشود سیاست ارشاد ملی، فیلمهایی را که خودتان میسازید چند درصدش را به تقلید از فیلمهای خارجی میسازید و چند درصدش را با توجه به آرمانخواهی و غرایز و عواطف این ملت میسازید، این نسبت را انقلابی عوض کنید، اگر جلوی نمایش این فیلمهای خشونت بار و منحرف کننده قطبهای پولساز را که در این مملکت نشان میدهند بگیرد هیچ اتفاقی نمی افتد، وقتی جای آنها خالی شد آنوقت این ملت نمیتواند بی فیلم و بی تفریح بماند و هنر

خودش را تجلی ندهد این قدرت خلاقیت را که امروز سرکوب این تبلیغات منحرف کننده شده وقتی حمایت کردید و متمرکز در غرایز ملی خردمان، و زندگی ملی خودمان شد این میشود اساس فلسفه ارشاد ملی خود شما حاکم و قاضی باشید و ببینید در این مورد تاجه میزان پیش رفته اید عرض دیگر ندارم (آفرین- آفرین احسن).

**رئیس** - آقای دکتر مذهب بعنوان موافق صحبت میکنند بفرمائید.

**دکتر مذهب** - همکاران ارجمند - خداوند را شاکرم که برای ششمین بار این فرصت فراهم آمد تا چند دقیقه ای در باره بودجه کل کشور صحبت کنم. دفعه اول قضاوتم بیشتر بر مبنای برنامه ای بود که دولت تقدیم کرده بود. دفعات بعد نه تنها این قضاوت بر مبنای برنامه تقدیمی بود بلکه بیشتر بر مبنای اعمال دولت ظرف سال بود. در همان اوان معلوم بود که دولت تلاش میکند خواسته شاهنشاه را درک کند و خود را با واقعیات انقلاب هماهنگ سازد. هر دولتی که کوشش کند خواسته و آرزوهای رهبر ملت ایران را جامه عمل پوشاند مسلماً مورد حمایت و احترام مردم و طبعاً نمایندگان آنهاست.

از آنچه در این مملکت از بدو خدمتگزاری دولت حزبی گذشته و می گذرد هویدا است که دولت هویدا یکی از دولتهای استثنائی است که باتمام وجودش در این راه تلاش میکند و بهمین دلیل هرسال که گذشت در عریاض دردفاع از بودجه خود را راسختر دیدم و با ایمان بیشتر سخن گفتم.

اینجا است که دو وظیفه بر مداخلین حزبی ما تجلی می کند: یکی وظیفه حزبی و دیگری وظیفه اخلاقی و وجدانی.

درست است که دو وظیفه حزبی ما ایجاب میکند که از دولت حزبی خود دفاع کنیم ولی این سربلندی برای ما باقی است که در دفاع خود وظیفه دیگر یعنی وظیفه اخلاقی و وجدانی را نیز مد نظر قرار میدهیم. تاجه خدمتکاران عزیز مادر حزب اقلیت در مخالفت با بودجه یعنی مخالفت با برنامه دولت وظیفه دوم یعنی وظیفه اخلاقی و وجدانی را هم مد نظر قرار میدهند و با تنها وظیفه اقلیت را انجام

میدهند امری است که ملت ایران قضاوت میکند. در اینجا لازم میدانم بزره خود از همکاران دانشمند خود در دو حزب مردم و بیان ایرانیست تشکر کنم چه آنها هم در لوای «مخالفت» دولت و اعمال آنرا مستقیم یا غیر مستقیم مورد حمایت قرار دادند و تنها به بعضی از اعمال و روشها ایراد گرفتند.

این کاملاً در شان دموکراسی است. خیال میکنم دولت هم از این تذکرات و ارشادات که نمایندگان محترم دو حزب مخالف میفرمایند استقبال میکند چه دولت جز سازندگی مملکت چیزی نمیخواهد و چون بگفته هویدا دولت عاشق افکار خود نیست این تذکرات و انتقادات سازنده در سازندگی مملکت بسیار مؤثر است.

برگردیم به اصل موضوع و بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور.

همکاران محترم مستحضرنده که صرف نظر از استدلال منطقی و علمی که همکاران حزبی ما در دفاع از بودجه نمودند بنده هم بنوبه خود در حدود اطلاعات و معلوماتی که داشتم در خصوص بودجه - بودجه برنامه ای - بودجه ارقامی خصوصیات و تکنیک بودجه در گذشته مصدع شده ام. خیال میکنم دیگر لزومی ندارد که مجدداً در این موارد بحثی کنم. آنچه مسلم است هر سال که گذشته دولت کوشیده بودجه ای را که تقدیم میکند تکمیل تر باشد، نصددهای غیر بودجه ای ضمن بودجه تقدیم نکند. لایحه بودجه را در چهار چوب درآمدها و هزینه - فعالیتهای مقایسه آنها با سال گذشته تنظیم و تقدیم کند تا فرصت کافی برای اعلان نظر در باره «بودجه» برای تمام نمایندگان محترم فراهم آید.

در این فرصت کوتاه بنده وارد عدد و رقم نمیشوم. منظور که عرض کردم از خصوصیات بودجه نویسی و اصولی که باید رعایت شود و بعد کافی در این سندر عایت شده بحثی نمینمایم و تنها به یک نکته اشاره میکنم و آن اینست که بودجه نموداری از فعالیت دولت در سال آینده است؛ اعتباری که در اختیار دولت گذارده میشود بمنظور انجام فعالیتهائی است که دولت با توجه به اولویتها انجام میدهد.

باید بدهد بچشم انتقاد بلکه بچشم حقیقت بینی و بی نظری به نتیجه حاصل از اجرای بودجه نظر کنیم و تنها ارقام و ارقام و کلمات را مد نظر قرار ندهیم. ببینید این دولت که از عمر فعالیتش بیش از ۵ سال نمیگذرد برای مملکت و ملت چه کرده است و آنچه با تلاش همه جانبه با کار روزی ۱۸ ساعت یا بیشتر انجام داده چه نتایجی بار آورده است.

خیال میکنم خیلی بی انصافی و تنگ نظری است که بگوئیم در این مدت کار نشده یا حتی کم کار شده و یا مملکت آنطور که باید پیشرفت نکرده است دوستان من: سال ۴۲ ما کجا بودیم و اینک که شش سال از آن تاریخ میگذرد کجا رسیده ایم.

هر کجا بودیم و هر کجا هستیم مملکتی داریم امن، اقتصادی سالم - سیاسی روشن و آینده ای درخشان و اینها است که دنیا بایران بچشم احترام مینگرد. راهی را که ما پیش گرفته ایم و تلاشی را که دولت حزبی ما بمنظور سازندگی ایران ما انجام میدهد ضرب المثل محافل بین المللی است. در حالی که بیشتر ملل دنیا گرفتار جنگ و سبزه - قحط و غلام - مصیبت و نابسامانیهای فراوان هستند مادر این دنیای ملامط و ظروفانی در کمال امنیت و قدرت ایرانی بهتر میسازیم (صحیح است) ما ایرانی میسازیم که مسلماً از آنچه از پدران خود تحویل گرفته ایم. بهتر - آبادتر - مرفه تر به فرزندان خود تحویل بدهیم (احسن است) خیال نمیکنم لازم باشد از آنچه شده یاد کنم چه در اینصورت مثنوی هفتادمن کاغذ شود.

چند روز قبل فرصتی فراهم آمد و باتفاق همکاران محترم عضو کمیسیون دارائی بسواحل جنوب رفتیم سه سال قبل هم چنین دعوتی داشتیم. شهرهای خوزستان امروز با سه سال قبل قابل مقایسه نیست.

دزفول - حوزه انتخابی جناب اخلاقی همکار ارجمند، ده بانی شهر چند سال قبل به شهری آباد و زیبا تبدیل شده است.

خوزستان که می گویند معنای نیشکرستان را دارد و بقول استخری مورخ نامدار «سرتاسر پوشیده از مزارع حاصلخیز بادشاههای سرتیز نیشکر» در اثر ناامنی - بی

صاحبی - ملوك الطوائفی - ضعف دولتها و مسلماً استثمار و استعمار به «یاغستانی» تبدیل شده بود. بجز در کنار رودخانه ها و آنها هم با وسائل بسیار بدوی بیزانی محدود که کشت گندم و جوی میشد و با چند درخت خرما که روزی بسیاری از مردم خوزستان را تأمین می نمود و طبعاً فعالیتهای نفت در مناطق خاص خوزستان و چند شهر غم زده دیگر جزیبایان و خارمغیلان چیزی نداشت امروز تنها ۴۵۰۰ هکتار زمین زیر کشت نیشکر است. جالب اینجا است که همانطور که استخری نوشته خوزستان استعداد همه چیز را دارد. با کوشش و دلسوزی نیشکری از بیابان دیروز بدست شما می آید که از لحاظ مرغوبیت در دنیا کم نظیر است. نیشکر خوزستان حدود ۱۸ درصد قند دارد (اخلاقی) بفرماید ۱۸ درصد در تن) و فقط در سال گذشته ۴۷۹۰۰ تن نیشکر خالص بدست آمد. با عشق پر شور آنهاست که در هفت تپه کار می کنند و با برنامه ای که در دست اجراست ظرف یکی دو سال آینده ده هزار هکتار زیر کشت نیشکر خواهد رفت و در همین مدت حدود یکصد هزار تن شکر خالص تولید خواهد شد.

چند کیلومتر اطراف ترسد محضر شاه شاه پهلوی چلال و ابتهی خاص دارد بفرموده شاهنشاه - از کتاب مأموریت برای وطن :

« در محل انتخاب شده طرفین دره چنان عمیق - مستقیم و موازی و نزدیک بیکدیگر قرار دارند که حتی متخصصین واقع بین موافقتند که خواست خداوند متعال بوده که بشر سدی در آنجا بنمایند.»

بله خواست خداوند بوده که شاهنشاه مأموریت یابند تا خوزستانی که بقول لرد کرزن «بیابانی که در سیرو تماشای آن چشم لحظه ای نمی آید» به دشتی حاصلخیز و صنعتی مبدل شود.»

بیابانهای خوزستان تبدیل به دشتهای حاصلخیز شده است که باز هم نمونه ای از آن زیر کشت چغندر قند است. کارخانه ای ۴۰۰۰ تن امسال شروع به بهره برداری می کند و با توجه به استعداد فراوان خاک خوزستان کارخانه ۴۰۰۰ تنی دیگر نصب میشود. میگفتند خوزستان استعداد کشت چغندر ندارد.

پیشرفت صنعت نفت و پتروشیمی به جنوب کشور جلوه خاصی بخشیده است. مهندسین و متخصصین ایرانی

شرکت نفت ملی ایران جانشین مهندسین خارجی شده و ملت ایران دیروز امروز مجدداً بچشم میخورد (صحیح است).

جزیره خارک مأمن دزدان و تیره روزان دیروز بوده امروز چون گوهری تابناک در خلیج فارس میدرخشد و با کارخانه جدید پتروشیمی که از عمرش فقط دو سال می گذرد گاز را تبدیل به گوگرد و سایر فرآورده های صنعتی می کند و به بازارهای بین المللی صادر می نماید.

پیشرفتهای سازمان گمرک و بخصوص سازمان بنادر و کشتیرانی بسیار جالب توجه و در خور تقدیر و تحسین است.

در همین سفر بخوزستان فرصتی شد تا چند لحظه ای با سربازان دلیر ارتش شاهنشاهی صحبت کنیم. افسران و سربازان مادر گرمای بیش از ۵۰ درجه بوده حرارت در صحرای خوزستان دور از خانه و خانواده - دور از مزایای شهری شب و روز پاس میدهند تا دولت و ملت با خیال آسوده و در این فرصت تاریخی بسازندگی ایران ادامه دهند. یکی از سربازان خطاب بمانگفت : از پشت تریبون مجلس به شاهنشاه و ملت ایران درود فرستید و بگوئید تاجان داریم هیچ بیگانه ای جرأت تخطی بخاک کشور ما را ندارد.

اینقدر جملاتش با عشق میهن و شاه آمیخته بود که همه ما بر تحسین در قبال روحیه قوی او که نموداری از روحیه ارتش دلیر ما است فرود آوریم. «بقول یکی دیگر از سربازان : مهم نیست بگذارید دولت بعضی عراق خوابیده فریادزند و ای بحالش اگر سر بلند کند.» (مصطفوی - خوابیده پارس کند) در حالیکه اکثر کشورهای جهان قسمت عمده درآمد خود را صرف تقویت ارتش خود می کنند و بعضی از آنها نیرومندی ارتش خود را در تضعیف ملت و وسیله ادامه حکومت چندروزه خود قرار میدهند و آنرا وسیله ارباب مردم بی پناهی می کنند مادر این نقطه جهان پاسدار صلح ملقب شده ایم. ارتش ما در کمال نیرومندی حافظ مرزهای ما است و در عین حال یار و یاور ملت است (صحیح است) ایکاش فلسفه خلع سلاح عمومی در جهان امروز عملی می شد تا ما با هم از بین رقم کوچک ۱۴ درصد بودجه نظامی خود بکاهیم. چه می شود کرد دنیا متلاطم است و طوفانی و در صورت انقاف معلوم نیست دوستان امروز ما چگونه رفتار کنند و پاس دوستی را تا چاه

حد بهنگام سختی انجام دهند. ممکن است با ما همان رفتار کنند که با هندو پاکستان در جنگ چند سال پیش کردند. پس ما بحکم جبر زندگی و ادامه حیات ملی و حفظ شاهنشاهی خود مجبوریم تا آنجا که بتوانیم در تقویت نیروهای دفاعی خود بکوشیم. درست است که بگفته همکار ارجمند آقای مهندس بهبودی تخصیص ۱۴ درصد برای تقویت بنیه دفاعی کشور بسیار مختصر است ولی چیز دیگری را هم که نباید فراموش کنیم آن ملیت ما است و این ملیت حکم می کند که بهر هنگام که لازم شود همه چیز ما در اختیار ارتش است (صحیح است) و بهنگام لزوم نه تنها تانکها و هواپیما و مسلسل های ما و سربازان مانگهدار مرزهای ما هستند بلکه بفرموده شاهنشاه بادست و ناخن خود از وجب بوجب خاک مقدس خود دفاع می کنیم (صحیح است).

پس اگر ما فقط ۱۴٪ از بودجه خود بامر دفاع اختصاص داده ایم دولت باتکالی نیروی لایزال ملی چند درصد بقیه را به امور اجتماعی و اقتصادی تخصیص داده تا در عین قدرت نظامی يك لحظه از سازندگی ایران جدید غافل نمائیم و این خود یکی از مظاهر عالی صلح دوستی و تلاش برای زندگی بهتر جامعه است که بر هبری رهبر خردمند خود جای خود را در خانواده ملل مترقی دنیا باز کرده است.

در مسافرت بجنوب نمایندگان محترم عضو کمیسیون دارائی فرصتی یافتند تا جزه کوچکی از آنچه در شیراز و اصفهان شده باز دید کنند. دانشگاه بزرگ پهلوی که حقاً علم خوب پایه گذاری کرده و نهانوندی بشایستگی آنرا اداره می کنند در شیراز و ذوب آهن اصفهان که سرعت مراحل نهائی ساختمان خود را طی می کند فقط دو نمونه کوچکی از توجه دولت به انجام خواسته های ملت است.

مملکتی که تا چند سال قبل شصت در صد کالا ه.ای معدنیش از خارج وارد می شد امروز ۹۰ درصد آنرا در داخل تهیه میکند، مملکتی که تا چند سال قبل صادراتش منحصر به روغن و کتیرا و پشم بود امروز مقام خاصی در بازارهای بین المللی پیدا کرده است.

همین چند روز قبل که قرارداد تجاری با هندوستان منعقد شد که ظرف هشت سال آینده ده میلیارد ریال (هزار میلیون تومان) فر آورده های صنعتی به هندوستان صادر شود.

مملکتی که وارداتش تنها از هند ۱۳ برابر صادراتش بآن کشور بود و در حدود ۲۰۰ میلیون تومان وارد می کردیم و فقط حدود ۱۵ میلیون تومان صادرات داشتیم با این قرارداد واردات و صادرات ما برابر می شود.

تا وزارت اقتصاد درست برنامه ریزی نکند بازار بانی ننماید - تا وضع سیاسی و اقتصادی باین بودجه است حکام نباشد تا اطمینان بازارهای بین المللی را جلب نکنیم و تا کیفیت و کمیت کالاهای صنعتی ما به استانداردهای کشورهای بزرگ صنعتی نرسد هرگز موفق بعقد چنین قراردادهائی نمی شویم. در این دنیای رقابت و در این وضع پریشان بین المللی این قرارداد نمونه ای از خدمتگزاری دولتی است که بحق نام خود را خدمتگزار جامعه گذارده است یقین بدانید با این رهبری و این تلاش ظرف سال و سالهای آینده همه شاهد انعقاد قراردادهائی خواهیم بود که حتی صادرات ما چند برابر واردات ما باشد.

باش تا صبح دولتش بدمد  
کاین هنوز از نتایج سحر است (احسن)  
اگر توجه کنیم که بودجه کل کشور در ۱۳۳۶ بالغ بر ۲۰۰۰ میلیون تومان بودجه عمران برنامه اول ۲۵۰۰ میلیون تومان بود اهمیت قرارداد منعقد بین ایران و هند بیشتر روشن می شود.

دولت توانسته است محیطی فراهم سازد تا بخش خصوصی در سائل جاری معادل ۲۰۰۰ میلیون تومان - یعنی کمی کمتر از کل برنامه اول در مملکت سرمایه گذاری کند و راه سوسی صنعتی شدن هر چه بیشتر شود هموار گردد. اگر توجه کنیم که مالیات های مستقیم سال آینده حدود ۲ برابر مالیات های سال گذشته خواهد بود در حالیکه مالیات های غیر مستقیم فقط ظرف همین مدت فقط حدود سی درصد اضافه شده توجه خاص دولت به تقویت مبانی مالی و بالا بردن قوه خرید مردم و اصلاح وضع اداری کاملاً محسوس می شود، کوشش وزارت دارائی در ایجاد نظم جدید مالیاتی و اجرای صحیح قانون جدید مالیات ها و اصلاحیه آن نموداری از فعالیت دولت در اجرای انقلاب اداری - اجرای عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح درآمد مردم است. مملکتی که اقتصادش تا چند سال قبل تقریباً

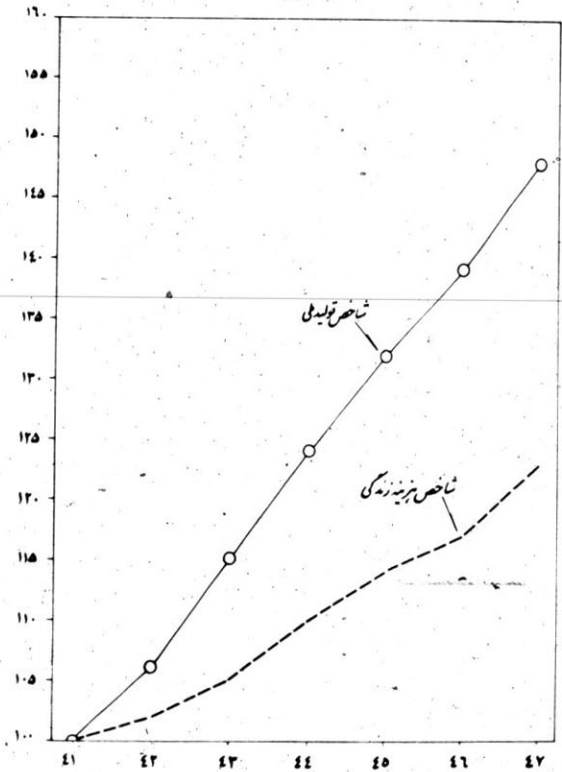
تنها متکی به درآمد نفت بود امروز با اقتصادی سالم - با بودجه ای در حدود ۴ برابر درآمد نفت - با درآمد سرانه حدود ۳۵۰ دلار در سال در ردیف کشورهای پیشرفته دنیا قرار گرفته است مسلماً رشد اقتصادی ۱۲ درصد در سال با حفظ افزایش هزینه زندگی حدود ۳۰ درصد این نتایج درخشان را بیارمی آورد.

در اینجا برای اینکه وضع بالا رفتن درآمد ملی و هزینه زندگی مارو شن بشود و بتوان آنرا با بعضی دیگر از کشورهای جهان مقایسه نمود برای اینکه تنها به گفته انکا نشود یکی دو آمار تهیه شده که عیناً به نمایندگان و

همکاران محترم ارائه میدهم تا ببینند که مادر این مملکت با مقایسه با کشور های دیگر که در صلح و صفا هستند و از هر امنیتی برخوردار هستند چه وضعی داریم و حتی توزیع عادلانه ثروت در این مملکت که شده بچه صورتی است (از محل نطق چند نمودار را به نمایندگان نشان دادند) این نموداری که ملاحظه میفرمائید نمودار تولید ملی و شاخص هزینه در کشور انگلستان است بطوریکه ملاحظه میفرمائید در اینجا این خط آبی تولید ملی طرف هفتسال از ۱۰۰ به ۱۴۷ یا ۴۵٪ بالا رفته شاخص قیمت هزینه زندگی در همین مدت از ۱۰۰ به ۱۲۵ رسیده بنابراین تولید ملی در

### نمودار تغییرات تولید ملی شاخص قیمت هزینه زندگی در کشور انگلستان

۱۳۴۱=۱۰۰

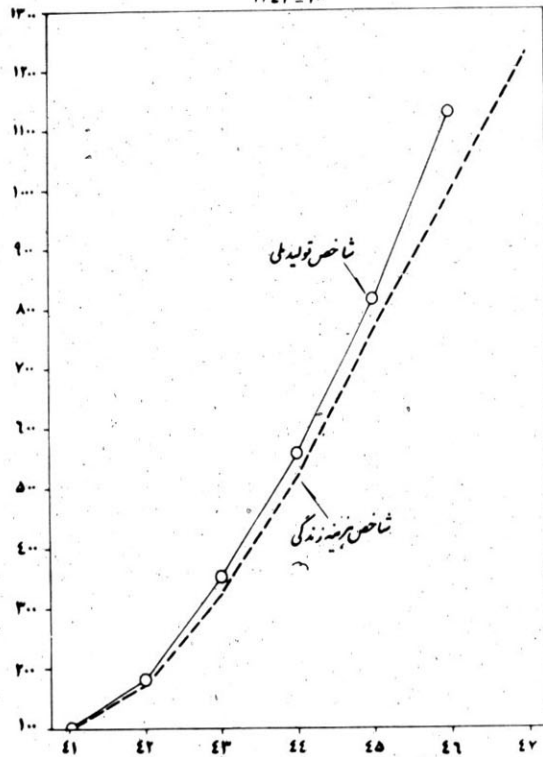


کشور انگلستان چیزی در حدود ۰/۲۵ یا ۰/۳ بوده در این رقم که ملاحظه میفرمائید در سیمت چپ کشور برزیل است که باز یک کشور آرام و مترقی است تولید ملی در کشور برزیل طرف همین مدت از ۱۰۰ به ۱۱۵ یعنی

۱۱/۵ برابر رسیده ولی هزینه زندگی متأسفانه بیش از تولید ملی بالا رفته یعنی از ۱۰۰ به ۱۲۵ رسیده یعنی درآمد ملی کم شده و اقتصاد عقب رفته.

### نمودار تغییرات تولید ملی شاخص قیمت هزینه زندگی در کشور برزیل

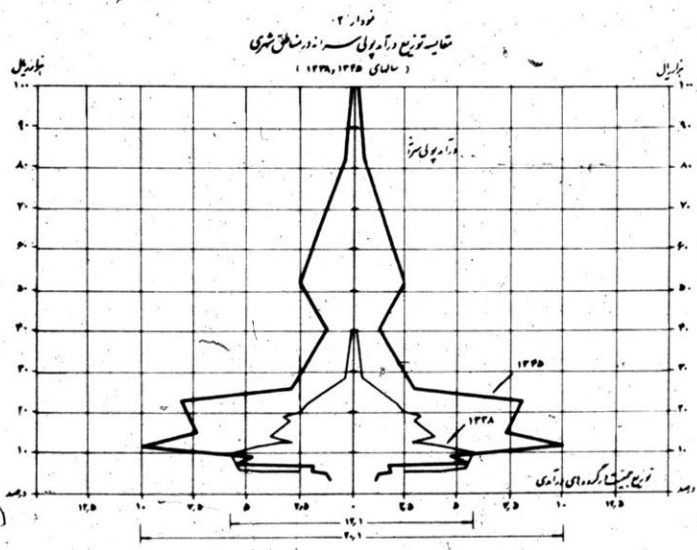
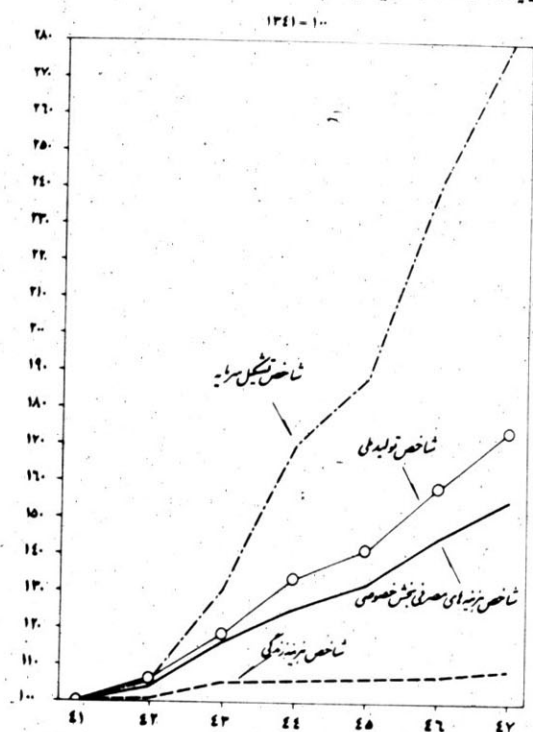
۱۳۴۱=۱۰۰



بنده با کمال غرور و مباهات اینجا حضور سروران محترم نموداری را که مربوط به وضع مملکت ماست نشان میدهم اینجاطوری که ملاحظه میفرمائید شاخص هزینه زندگی طرف همین مدت از ۱۰۰ به ۱۱۰ رسیده یعنی همان ۰/۳٪ افزایش که همه ما آنگاه هستیم تولید ملی ما از ۱۰۰ به ۱۷۵ رسیده یعنی حدود ۷۵ درصد بالا رفته اگر این دو رقم از هم کم کنیم یعنی صد و هفتاد و پنج این یعنی خالص تولید ملی یا فرض ثابت بودن هزینه زندگی ما که ۰/۶۵٪ بالا رفته بنده باز با ارائه نمودار حضور سروران عزیزم صحبت میکنم در اینجا ملاحظه میفرمائید که این خط نمودار تشکیل سرمایه است که ظرف دو سال از ۶۶ تا ۶۸ میزان سرمایه گذاری از ۱۹۰ به ۲۸۰ رسیده یعنی نود درصد سرمایه گذاری در این مملکت افزایش پیدا کرده علت محظی است که دولت توانسته فراهم کند و امنیت داشته باشیم تا مردم با کمال آزادی و بسا خیال راحت بتوانند سرمایه گذاری کنند اما بنده با اجازه تان آمار دیگری خدمت سروران محترم میخوانم از ارائه بدهم مربوط به توزیع درآمد بر سرانه در مناطق شهری است، ظرف مدت چند سال گذشته درآمد ما از هر لحاظ بالا رفته بنابراین در آمد کلیه گروهها

تغییر کرده در آمد، کارگر، کارمند دولت، کشاورز، کاسب همه اینها در آمدشان بالا رفته بطوریکه ملاحظه میفرمائید توزیع عادلانه ثروت جالب توجه است، یعنی اگر در ۳۸ دوقدر از حد اعلا در آمد استفاده میکردند در ۴۵ دوقدر استفاده میکردند و اگر برعکس در ۱۰۳۸ نفر از حداقل درآمد استفاده میکردند در ۵۰ نفر استفاده میکنند، این نموداری که ارائه شد نشان میدهد چطور توزیع ثروت یا درآمدهای افراد در این کشور ظرف چند سال گذشته دگرگون شده کم درآمدها در آمدشان بالا رفته و پر درآمدها به میزان کم شده این يك سیاست اقتصادی سالم میخواهد تا دولت موفق شود این عدالت اجتماعی و این توزیع ثروت را برای ملت و برای مملکت ایجاد بکند، من متأسفم که نتوانستم آماری از لحاظ درآمد پول سرانه در مناطق روستائی بیاورم و ارائه بدهم آن هم جالب است و همین وضع را دارد صرف نظر از اینکه نمودارها از بین رفتند و دهقانها آمدند بالا، سطح درآمدها اصولاً بالا رفته و کم درآمدها در آمدشان زیاد شده و آنها تیکه دارای درآمدزایی بودند بنحو متعادل در آمدشان يك مقدار

نمودار تغییرات تولید ملی بشکل سزایریندهای مصرفی خصوصی شاخص قیمت بریزه زندگی در ایران



که شده است ( دکتر طالع - خیلی جالب بود ) بهرحال انقلاب ما و سیاست ملی مارا مشخص کرده و دولت در راهی که از طرف رهبر ملت ترسیم شده و کاملاً مشخص است جلو میرود . همکاران محترم میتوانند برای اطلاع بیشتر از مجله بررسیهای اقتصادی بانک مرکزی استفاده کنند همین وزارت اصلاحات ارضی را نگاه کنید . مراحل او و دوام و موسم اصلاحات ارضی با موفقیت پیاپی رسید . بساط فتودالیمس ارضی از ایران ریشه کن شد . خیال میکنم کوشش در روحیه روستائینان و موفقیت در آن یکی از صفحات درخشان تاریخ این دولت است . دولت تنها به تقسیم اراضی اکتفا نکرد بلکه روستائینان را بآینده‌ای بهتر امیدوار ساخت . آنها نیکه بهر دستاور و ستائشینان سروکار دارند نمیتوانند این حقیقت را پنهان کنند که قیافه ساکنین روستاها تغییر نکرده است . قیافه‌های امیدوار - بشاش - جدی جانشین قیافه‌های ناامید - مأیوس - متحیر - ستم‌دیده مظلوم قبل از انقلاب شده . آنچه که دولت یعنی وزارت اصلاحات ارضی - سپاهیان انقلاب - وزارت خانه‌های کشاورزی - منابع طبیعی آموزش و پرورش - اطلاعات - کشور - دادگستری و سایر سازمانهای دولتی مربوط کرده اند سبب شده این روحیه و این قیافه جانشین آن قیافه و آن روحیه خسته دیروز گردد .

ملتی که خودپرستی در خون آنها ریشه دوانده و یأس و بدبینی در نهاد آنها جوانه زده ایجاد حس همکاری و تعاون در آنها چند سال قبل فقط دورنمای بعدی بنظر میرسید . امروز روستائیان برادر و برابرم کاری میکنند و تشکیل بیش از هزار شرکت تعاونی - ده‌ها شرکت‌های سهامی زراعی - صدها خانه فرهنگ روستائی - صدها خانه انصاف توأم با ارشاد در تهیه بذر بهتر - نحوه بالا بردن سطح کشت - بهبود کمی و کیفی فرآورده‌های کشاورزی سبب شرکت فعلا به آنها در این سازمانها گردیده است و بنابراین موازات موفقیت دولت در بهبود وضع مادی و بالارفتن درآمد روستائینان موفقیت دولت در ایجاد و تقویت حس تعاون و همکاری و خودیاری و بالا بردن دانش اجتماعی آنان و بخصوص آشناساختن و مأنوس کردن آنها با اصول و مبانی دموکراسی راهی است صدساله که این دولت این هویدا این ولیان و این وزرا و این کارکنان دولت ظرف چند سال گذشته با الهام از خرد عمیق شاهنشاه پیموده‌اند . همکاران ارجمند شما با پول میتوانید خیلی کارها

را انجام دهید ولی تنها با پول نمیتوانید از مردم ترك سنت کنید - روحیه مردم را تغییر دهید - راه زندگی را عوض کنید - اجرای اینها نه تنها پول میخواهد بلکه مهمتر از پول دلسوزی - شاهدوستی - وطن پرستی - مدیریت و آژ همه مهمتر ایمان و فداکاری است و اگر اینها نبود هرگز دولت باین موفقیت بزرگ و این سر بلندی در قبال شاهنشاه و مردم نائل نمیا آمد .

مسلماً ما که در این زمان زندگی می کنیم مردمان خوشبختی هستیم رهبری داریم که چون گوهری تابناک در تمام تاریخ شاهنشاهی ما میدرخشد . این رهبری و این دلسوزی و خدمتگزاری دولت روزهای امید بسیاری را بروی ملت ایران گشوده است خداوند رهبر ما و خدمتگزاران او را سالیان دراز نگاهدار باشد تا خواسته‌های ملت ایران یکی بعد از دیگری جامه عمل بپوشد .

اینجا راجع بجمعیت بحثی شد که چون بنده سال گذشته فرصتی داشتم چند کلمه‌ای عرض کردم خیال میکنم از مباحثی است که کمی بین شخص بنده با همکار ارجمندم جناب دکتر عاملی اختلاف نظر وجود دارد من خیال میکنم مهمتر از کوشش در رشد جمعیت کوشش در رفاه جمعیت و کوشش در تقویت بنیه ملی بطور کلی بسیار لازم و ضروری است فرمودند ما و نه شما نمیتوانیم مسیل‌ها را تغییر بدهیم

من خیال میکنم بسیاری از مسیله‌ها را میشود تغییر داد بنده فکر میکنم بسیاری از مسیله‌های تاریخی هست که فرسوده است ما و شما میتوانیم آنها را تغییر بدهیم و میدهیم ما و شما یعنی بشر میتواند این مسیل‌ها را تغییر بدهد ، انقلاب صنعتی دوست سال قبل و صنعتی شدن ممالک مسیر مسیل جمعیت را تا حدی تغییر داد در آنوقت که جمعیتها باهم می‌جنگیدند جنگ تن بتن میکردند متکی بر شادت فرد فرد خودشان بودند ، انقلاب صنعتی تانک و توپ و هواپیما آورد . نمیدانم چند نفر باید تانک بکنند یا هواپیماهای میز می‌تواند چند نفر را از پا در بیاورد بنابراین نه تنها مسیل جمعیت به این وضع تغییر می‌کند بلکه همین مسیل‌های معمولی خودمان همین مسیلی که در خوزستان هزاران سال بود ، سد محمد رضا شام آمد و مسیل را تغییر داد دیگر بحث این نیست که دست بشر باتکنیک امروز بک‌خانه‌ای بسازیم در یکی مسیلی و سبب بشود آن مسیل بک‌جائی را خراب بکند مثال بهتری بزینم ما بک سد می بندیم چهلوی رودخانه کرج و از آن بفع



مردم بهره برداری می کنیم و مسیله‌ای که سالهای سال بود تغییر میدیم پس ماوشما یعنی بشر امروز از این مسیلهای فرسوده دیگر تبعیت نمیکند بلکه آنها را تغییر میدهد یعنی بهمان سادگی که آبرا بر میداریم میخوریم بهمان آسانی هم يك سد عظیم در مقابل مسیل خروشان و طوفانی بنا می کنیم مسلماً جمعیت تا قبل از انقلاب صنعتی دنیا بسیار امر مهمی بود ولی همان غرش خروشان جمعیت ۷۰۰ میلیونی در مقابلش يك ملت دیگری هم هست که همان غرش خروشان را دارد يك جمعیت دوونیم میلیونی از غرش خروشان ۶۰ یا ۴۵ میلیونی مردم دیگر کاسته است پس واقعاً این جمعیت نیست که غرش و خروش میکند بلکه تکنیک است، علم است، صنعت است، نظم خانواده است رفاه است، امنیت است و امثال اینهاست که ما در این مملکت بعد اعلا توجه میکنیم من شخصاً خیال نمیکنم که حتی صحیح باشد که فرمودند نظم خانواده بلی و کم کردن نه بنده خیال نمیکنم کم کردن یعنی کشتن نه ما هیچوقت نمیتوانیم کسی را بکشیم اینطور نیست غیر از این اگر بگوئید ما نمی توانیم با این وضع اقتصادی که جلومیروییم تنظیم خانواده بکنیم و نمیتوانیم برای ملت خودمان رفاه اقتصادی آنطور که نظر شما و ماهست ایجاد بکنیم بنا بر این در عین حال که باید کوشش بکنیم رشد اقتصادی ما در حدود ۱۲ درصد باقی بماند در عین حال باید رشد ۱۲ درصد را داشته باشیم که ظرف چند سال آینده قدرت اقتصادی ما، قدرت دفاعی ما بحدی باشد که بتواند ضعف گذشته را جبران کند و اگر غیر از این بکنیم اجتماعی تشکیل میدهم با درآمدی کمتر از آنچه که باید داشته باشیم و این مشکلات زیادی و عجیبی ایجاد می کند من چون بجناب آقای دکتر عاملی نهایت ارادت را دارم از لحاظ فضل و سخنوری ایشان خودم را در مقام بسیار کوچکتري می دانم که بتوانم آنطور که ایشان استدلال می کنند استدلال کنم ولی خیال می کنم با عرایضی که کردم ایشان را تا حدی متقاعد کرده باشم که انشاء اله سال آینده وارد بحث جمعیت نشویم، سرکار خانم تربیت تشریف نداشتید، اتفاقاً همان بحثی را داشتیم که سرکار شما می فرمودید و بحث علمی که جناب آقای دکتر عاملی میفرمودند و امیدوارم انشاء اله آقای دکتر عاملی قبول فرموده باشند (احسن است).

**رئیس** - آقای مهندس بهرام زاده ابراهیمی بفرمائید.  
**مهندس بهرام زاده ابراهیمی** - ریاست معظم مجلس شورای ملی، هیئت محترم دولت و همکاران ارجمند امروز صحبت من بحث درباره بودجه تقدیمی سال ۴۹ دولت بمجلس شورای ملی است. این سند که بعضی ها آن را سند دخل و خرج دولت و بعضی ها سند برنامه گذاری مالی دولت مینامند بصورت یکی از بهترین اسنادی است که شامل امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت میشود و از این نظر است که مطالعه آن کمال اهمیت را برای عموم مخصوصاً نمایندگان محترم مجلس شورای ملی دارد.  
 با آنکه در سال گذشته تقاضا کرده بودیم بودجه سال ۱۳۴۹ را جناب آقای نخست وزیر و زودتر از بودجه سال ۱۳۴۸ بمجلس شورای ملی تقدیم و نطق خود را منقصر بفرمایند، معذک ایشان بودجه سال ۴۹ را شش روز دیرتر از سال گذشته و بیست روز دیرتر از وعده خودشان و انتظار مردم بمجلس شورای ملی تقدیم نمودند.  
 از طرفی چون کار در کمیسیون بودجه سرعت انجام پذیرفت، لذا فرصت کافی برای مطالعه بودجه ۴۹ آنطوریکه باید و شاید بدست نیامد. ولی از آنجائیکه همه ما برای پیاده نمودن مواد انقلاب شاه و مردم باید سعی خودمان را بنمائیم، بنده کوشش نموده ام مطالبی که قابل استفاده حزب اکثریت و دولت باشد در این فرصت کم تهیه و تقدیم دارم.  
 حال که برهبری شاهنشاه دوراندیش و صلحدوست و با همکاری خستگی ناپذیر ملت ایران و با پشتیبانی و تائید قاطبه ملت ایران يك يك مواد انقلاب دارد پیاده میشود و در داخل کشور مشکلات اجتماعی و اقتصادی و در خارج مشکلات سیاسی بین المللی با سرعتی چشمگیر برطرف میگردد و همه جور زمینه توسعه و ترقی فراهم گردیده و این موقعیت مناسب و منابع عظیم مالی، ما را در وضعی خاص قرار داده و باعث شده است که سران کشور های بزرگ خارجی و دانشمندان اقتصادی آتیه ای بس درخشان برای شاهنشاهی ایران پیش بینی کنند (صحیح است) ما با آغوش باز در ساحت مقدس مجلس شورای ملی بحث درباره این سند مالی، اقتصادی و اجتماعی را شروع مینمائیم و آماری که امروز ارائه خواهد شد آماری است

مستدل و مطالبی که در این مورد بطور اختصار بعرض خواهیم رساند در سه قسمت بودجه سال ۱۳۴۹، نطق جناب آقای نخست وزیر در مجلس شورای ملی هنگام تقدیم بودجه ۴۹ و مشکلات و راهنمائیهای کلی که اجراء بودجه کم و بیش با آن سروکار خواهد داشت میباشد.  
 در کشورهایی که دارای بودجه های مترقی میباشند، بودجه بندی بر حسب برنامه انجام میگردد. در بودجه برنامه ای ارقام دخل و خرج طوری تقسیم بندی میشود که پس از اجراء آن هدفهای مشخص و معینی بدست آید. علماء اقتصاد تقسیم بندی ارقام بودجه را از نظر هدفهای مشخص و معین «بودجه برنامه ای» نامیده اند و ترتیب انواع برنامه ها از نظر رسیدن به هدفهای معین به برنامه گذاری مالی معروف شده است.  
 برنامه مالی دولت بمنظور دخل و خرج عمومی تهیه میشود و دولت مجبور است برنامه مالی خود را بر اساس سیاست مالی مشخص، هماهنگ با سیاست اقتصادی جامعه تنظیم کند.  
 از طرفی سیاست اقتصادی سیاستی است که از نظر رشد و توسعه اقتصادی هماهنگ در جامعه اعمال میشود. ولی سیاست اقتصادی در چهار چوب دخل و خرج عمومی سیاست هماهنگ کردن دخل و خرج دولت با دخل و خرج اقتصاد خصوصی است.  
 هماهنگ کردن دخل و خرج دولت با دخل و خرج اقتصاد خصوصی از نظر کمیت و کیفیت هر دو بایستی انجام پذیرد. از نظر کمیت، هدف توازن اقتصادی یا اشتغال کامل عناصر تولید است و دولت بایستی مخارج عمومی را در حدودی تعیین کند که پس از جمع شدن با مخارج خصوصی جمعاً بتواند توازن اقتصادی با اشتغال کامل عناصر تولید را بوجود آورد.  
 جمع مخارج عمومی دولت و مخارج خصوصی ما مخارج کل جامعه را بوجود می آورد که اگر این مخارج کلی جامعه بنحوا حسنت صورت گیرد میتواند عامل اصلی از دیاد تولید شود. علت این امر آنستکه مجموع مخارج جامعه (جمع کل مخارج عمومی دولت و مخارج خصوصی) تقاضای کل جامعه را بوجود می آورد و در حدود حجم

تقاضای کل، تولیدات جامعه توسعه مییابد و بر اساس حجم تولیدات، عوامل و عناصری که در تولیدات شرکت داده میشوند مورد استفاده جامعه واقع شده و بعد اشتغال کامل خود در جامعه میروند. در این موقع است که کلیه منابع اقتصادی بکار میافتد و حداکثر بهره برداری از آنها میشود.

در مورد کیفیت نیز باید اضافه نمود که، تعیین انواع اقلام خرج در حدود فعالیت دولت اهمیت بسزائی دارد، زیرا انواع مخارج در حدود فعالیت دولت هر يك نقش بخصوصی در توسعه اقتصادی دارند.

پس نتیجه میگیریم که در تهیه يك بودجه برنامه ای باید هم به کمیت اقلام و هم به کیفیت اقلام مخارج توجه داشت و الا آتوقت است که اولاً بطور کلی اقتصاد آنطوری که باید و شاید پیش نرود و ثانیاً همیشه مایا با نوسانات انخفاظ و رکود یا تورم اقتصادی روبرو خواهیم شد. من پارسال خبر دادم که اگر توجه نداشته باشید، اقتصاد ما روبه تورم خواهد رفت ولی خوشبختانه متوجه شدید

و حرف من را قبول کردید و با بکار انداختن مکانیزم های غیر طبیعی از قبیل واردات، عرضه اسناد خزانه، و وصولی بیشتر مالیاتها و بالا بردن نرخ بهره تورم را آنهم تا حدودی که قیمتها باز ۳/۳ درصد بالا رفت کنترل نمودید. ولی امسال نیز باز با صدای بلند توجه حزب اکثریت و دولت را بدموضوع مهم دیگر جلب مینمایم و امیدوارم که بآنها توجه خاص شود یکی آنکه حتی المقدور سعی فرمائید تا در تنظیم و اجراء بودجه سال ۵۰ کمیت و کیفیت اقلام خرج دولتی و خصوصی در جهت حداکثر توسعه اقتصادی معین و مشخص شود. دیگری آنکه سعی فرمائید تا برای جلوگیری از تورم بجای بکار بردن مکانیزم های غیر طبیعی از قبیل بالا بردن واردات، فروش اسناد خزانه و وصولی بیشتر مالیاتها، تولید داخلی بالا رود و این تولیدات را طوری به بازار عرضه نمائید تا قیمتها برای مدت طولانی ثابت بمانند و با توسعه صادرات حداکثر استفاده از منابع اقتصادی جامعه بشود.

در سال ۱۳۴۹ بودجه کل کشور از حیث درآمد و ستایر منابع تأمین اعتبار و نیز هزینه وسایر پرداختها بالغ بر ۴۰۶۸۷ میلیارد ریال است که معادل ۱۲۶/۸ میلیارد آن از محل

درآمد عمومی (شامل ۱۳/۴ میلیارد ریال اعتبار طرحهای مستمر) و ۱۴/۱ میلیارد ریال از محل درآمد اختصاصی و ۱۳۰/۹ میلیارد ریال از محل درآمد برنامه و ۱۳۴/۸ میلیارد ریال نیز از درآمدهای مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت تأمین شده است.

در گزارش بررسیهای کمیسیون بودجه ذکر شده است که افزایش قابل توجه پرداختهای بودجه عمرانی دولت در سال ۱۳۴۹ قابل ملاحظه است و جمع پرداختهای عمرانی بودجه به ۱۴۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۹ خواهد رسید که نسبت به سال گذشته ۳۲ درصد افزایش یافته است.

بررسی ارقام پرداختهای بودجه عادی نشان میدهد که افزایش هزینه های جاری در سال ۱۳۴۹ به میزان ۷ درصد است در حالیکه رشد هزینه های مزبور در سال ۴۸ بالغ بر ۱۱ درصد بوده است.

اگر نظری به خلاصه وضع بودجه عادی و عمرانی بیاندازیم. ملاحظه میکنیم که دولت در بودجه ۴۹ به مقایسه بودجه ۴۸ برتیب بر مالیات های مستقیم ۲۳٪، مالیاتهای غیر مستقیم ۱۶٪، به درآمد های حاصل از انحصارات و اعمال تصدی دولت ۲۱٪، به درآمد های حاصله از خدمات دولت ۱۰٪، اضافه نموده است که بالاخره با سایر درآمدها توانسته است بجای بودجه کل ۳۳۰/۳۰۱ میلیارد ریال سال ۴۸ برای سال ۴۹ بودجه کلی معادل ۴۰۶/۶۶۲ میلیارد ریال تقدیم مجلس شورای ملی نماید.

نکته ای که حائز اهمیت است اینست که حال با آنکه مسائل گذشته با گرفتن مالیاتهای بیشتر ۱۱٪، به هزینه های جاری خود اضافه نموده بودیم و امسال نیز با گرفتن ۲۳٪، مالیات مستقیم بیشتر و ۱۶٪، مالیات غیر مستقیم بیشتر و ۲۱٪، درآمدهای حاصل از انحصارات و اعمال تصدی دولت بیشتر و ۱۰٪، درآمدهای حاصله از خدمات بیشتر ۷٪، به هزینه های جاری در ۱۳۴۹ میافزایم یعنی کمیت اقلام هزینه را بالا میبریم سئوالی که مطرح میتوان کرد اینست که آیا یک عمل صددر صد صحیحی انجام میدهم یا خیر؟ در حله اول شاید این سئوال غیر منطقی بنظر برسد ولی حقیقت امر شاید مطلب دیگری باشد مثلاً حال که در

صد قابل ملاحظه ای از کارمندان دولت اضافه هستند چرا برای تهیه کادر برای سازمانهای جدید ما از این کارمندان اضافی دولت استفاده نمائیم و در عوض ۰/۷٪ به هزینه های جاری خود که قسمتی از آن مربوط به استخدام جدید، اضافه مزایا و حقوق بیشتر است اضافه نمائیم.

باز اگر سئوال شود که اگر دولت استخدام جدید نکند با سطح اشتغال فعلی که دارای مقداری بیکاری آشکارا و پنهانی هستیم چکار باید کرد؟ آنوقت است که موضوع کیفیت اقلام هزینه پیش میآید بطوریکه اگر بجای افزایش هزینه های جاری در سالهای گذشته ما میادیم قسمتی از این هزینه ها را که در پنج سال اخیر مبلغ قابل ملاحظه ای هم میشود در رشته های صنعتی و کشاورزی مفید سرمایه گذاری مینمودیم، هم از تعداد اضافی کارمند وزارتخانه های دولت بهتر استفاده میکردیم و هم با مال با سرمایه گذاری جدید از قسمتی از محل این ۰/۷٪، هاجاره ای برای بیکاری مینمودیم این یک مثال ساده است برای روشن شدن اهمیت مراعات کمیت و کیفیت در اقلام هزینه که قبلاً با آن اشاره شد.

جناب آقای نخست وزیر در نطق بودجه ۴۹ در مجلس شورای ملی فرمودند از لحاظ اقتصادی بدنسبالت موفقیتهای سالهای اخیر رشد اقتصادی در سال ۱۳۴۸ در شرایط ثبات نسبی قیمتها و حفظ موازنه پرداختها در حدود ۱۲ درصد پیش بینی میشود.

از اینکه در مورد تورم دولت بعراض در بودجه ۴۸ اینجانب توجه کرد و برای جلوگیری از بالا رفتن قیمتها و تورم دست به یک سلسله اقدامات معمول از قبیل واردات بعضی از محصولات، فروش اسناد خزانه به مبلغ ۱۰ میلیارد ریال بالا بردن نرخ بهره و دریافت بیشتر مالیات نمود مشکرم. ولی باید همانطور که قبلاً نیز اشاره کردم دولت قبول نماید که این روشها موقتی است و باید توجه خود را بیشتر به امر بالا بردن تولیدات کشاورزی و صنعتی بنماید و سعی نماید که این تولیدات طوری به بازار عرضه شود تا نواسانات قیمتها در حداقل باشد و در سالهایی که تولیدات خوبست با ایجاد انبارها، سیلوها، سردخانه ها و فرورشگاهها تولیدات اضافی را خریداری و نگهداشته یا خود صادر نماید. و در سالهای خشکسالی از مازاد محصولی که قبلاً خریداری و نگهداری نموده است، برای پائین آوردن

قیمت محصولات و متعادل ساختن آن به بازار عرضه نماید. امروز دولت باید قبول کند که قیمتها تابع عرضه و تقاضا است و کنترل آن با کمترین مصلحتی از قبیل کنترل قیمت توسط شهرداریها و غیره غیر قابل عملی است و در صورت فشار دولت کیفیت محصول پائین خواهد آمد و نتیجه ای را که میخوایم بدست مان نخواهد داد. مضافاً اینکه قیمتها از مأمورین شهرداری نمیتواند بلکه تابع عرضه و تقاضا هستند.

اگر شاخص هزینه زندگی را در سال ۱۳۳۸، ۱۰۰ بگیریم این شاخص در مهر ماه ۱۳۴۸ به ۱۲۱/۶ رسید و نسبت به رقم مهر سال قبل ۳/۲ درصد افزایش نشان میدهد، ضمناً هزینه زندگی طی هفته ساه اول سال جاری بطور متوسط ۳/۳ درصد نسبت بمدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. (۱) «مجله بانک مرکزی ایران مهر و آبان ۱۳۴۸ شماره ۹۷ - ۹۸ صفحه ۱۶۹» ولی در مورد این افزایش سه مطلب را باید در نظر گرفت: اول - میانگین افزایش نسبیانه شاخص هزینه زندگی که در سال ۱۳۳۸ ۱۰۰ بوده و در سال ۱۳۴۸، ۱۲۱/۶ بوده است ۲/۱۶ میشود در حالیکه از مهر سال ۱۳۴۷ تا مهر سال ۱۳۴۸ شاخص هزینه زندگی ۳/۲ درصد افزایش نشان میدهد و این افزایش اگر با میانگین افزایش قیمتها در ده سال گذشته مقایسه شود ۱/۰۴ درصد افزایش نشان میدهد.

این مطلب میرساند که قیمتها سیر تصاعدی دارند و دولت باید همیشه مواظب این افزایش باشد و نگذارد که قیمتها باین اندازه بالا روند.

دوم - دولت باید علاوه بر اینکه دقیقاً مواظب تغییرات شاخص هزینه زندگی باشد، به نوسانات آنها توجه داشته باشد. در مورد نوسانات قیمتها متأسفانه وضع بدتر از سایر نصابهای شاخص هزینه زندگی است. مثلاً تغییرات حاصله در شاخص مهر ۱۳۴۸ نسبت به ماه مشابه سال گذشته در مورد نوبه ها و سبزیهای تازه ۵/۱٪، آذینها ۳/۹٪، تعمیرات سکن ۲۳/۶٪، و بالاخره آذوبه و نمک ۲۶٪، بوده است چنانچه ملاحظه میفرمائید این نوسانات فوق العاده شدید و باید حتماً تئوری داده شود که از شدت نوسانات شاخص هزینه زندگی در مورد اقلام فوق الذکر با اقلام حساس متشنج کننده کاسته شود (مجله بانک مرکزی ایران مهر و آبان ۱۳۴۸ شماره ۹۷ - ۹۸ صفحه ۱۷۲).

سوم - اگر نوسانات شاخص هزینه زندگی را در تهران ۲۲ شهر کوچک و شیراز که شهر متوسطی است در نظر بگیریم خواهیم دید که بین سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۴۸ میانگین شاخص هزینه زندگی در تهران بغیر از حدود اوایل سال ۱۳۴۷ و اوایل سال ۱۳۴۸ پائین تر از ۱۲۰ بوده و در مورد ۲۲ شهر کوچک بین ۱۱۵ و ۱۳۰ و بالاخره شیراز که بغیر از اوایل سال ۱۳۴۷، بین حدود ۱۱۵ و ۱۳۵ بوده است. این میرساند که مردم تهران نه تنها دارای درآمدی بیشتر از شیراز و ۲۲ شهر کوچک هستند، بلکه هزینه زندگی آنها نیز از شیرازها و مردم ۲۲ شهر کوچک کمتر است. بنابراین دولت باید باین مطلب نیز توجه کافی بنماید و تئوری دهد که مثلاً نه تنها بکارمندانیکه در شهرهای با هزینه بیشتر زندگی میکنند مزایای بیشتری بپردازد، تئوری دهد بقیه مردم کشور نیز از يك تعادل بیشتری بین درآمد و هزینه زندگی برخوردار باشند. در مثال بالا مسلماً بشیراز باید بیشتر از ۲۲ شهر کوچک و به مردم ۲۲ شهر کوچک بیشتر از تهرانها توجه شود (مجله بانک مرکزی مهر و آبان ۱۳۴۸ شماره ۹۷ - ۹۸ صفحه ۱۸۸).

عملیات مالی دولت که فقط شامل بودجه عمومی و عمرانی است در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ بر تئیب دارای مبالغی کسری بوده که از طریق سیستم بانکی و دریافت اعتبار از خارج تأمین گردیده که جرئیات آن در گزارش سالیانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران در سال مربوطه بنظر میرسد.

بنابر این درست است که حفظ موازنه پرداختها شده است ولی از طرفی که ماشدیده یا تقلیل آنها میخوایم یا آنکه حتی المقدور دولت سعی نماید که کالاهای سرمایه ای وارد نموده و تا پایان برنامه عمرانی چهارم همانطور که در برنامه پیش بینی شده است کسری حدود هفتم ۲۵ میلیارد ریال حفظ گردد.

در مورد رشد اقتصادی حدود ۱۲ درصد در سال ۴۹ که جناب آقای نخست وزیر نوید آن را بما دادند خوشحال شده بجناب نخست وزیر و هیئت محترم دولت تبریک عرض میکنم، ضمناً برای آنکه رشد سالیانه تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت بین سالهای ۴۶ - ۴۷، ۴۸ - ۴۹ و هدف برنامه چهارم مقایسه ای بشود جدول ذیل را از گزارش سالیانه و ترازنامه

بانک مرکزی ایران در پایان اسفند ۱۳۴۷ صفحه ۴۰  
ذکر میکنم  
جدول شماره (۱) رشد سالیانه تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت

برنامه عمرانی	۱۳۴۷	۱۳۴۱ - ۴۶
چهارم		
کشاورزی	۴/۴	۵/۰
صنعت و معدن	۱۳/۰	۱۱/۳
نفت	۱۵/۳	۱۳/۴
ساختمان	۹/۹	۱۲/۷
آب و برق	۱۶/۸	۳۴/-
خدمات	۷/۵	۸/۸
تولید ناخالص ملی	۹/۴	۸/۴

بطوریکه ملاحظه میفرمائید در سال ۱۳۴۷ رشد سالیانه تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت ۱۰/۳ درصد میباشد که با مقایسه ۹/۴ درصد برنامه عمرانی چهارم ۹٪ بیشتر میباشد حال که جناب آقای نخست وزیر نوید ۱۲ درصد رشد اقتصادی را مسا دادند مسلماً خوشحال شدیم ولی چند نکته در این باره باید عرض کنم و آن اینست که اصولاً در ایران بالاترین رشد به قیمت ثابت در ۱۳۴۶ بدست آمده که ۱۲/۷ درصد بود و در سال ۱۳۴۷ این رشد به ۱۰/۳ درصد تقلیل پیدا کرد. البته اگر درصد رشد بقیه جاری محاسبه گردد ممکن است بیشتر نشان داده شود که آنکه در پایان سال ۴۷ این رشد تولید ناخالص ملی به قیمت جاری به ۱۱/۶ درصد رسید. در هر حال گمان نمیکنم که رشد بقیه ثابت در سال ۴۸ مطابق سال ۴۶ شود ولی اگر حدود ۱۲ درصد هم بدست آید ما خوشحالیم و موفقیت دولت را آرزو میکنیم.

نکته ای که حائز اهمیت است آنستکه در بعضی از کشورهایی که دارای امکانات کشور ما هستند ولی خراش کوشش و سعی در جلب سرمایه گذارهای خارجی توانسته اند موفقیتهای قابل ملاحظه ای داشته باشند مثلاً طبق گزارشهای تنبرگن نماینده سازمان ملل در اکافه که مرکز آن در تایلند است تعدادی از کشورهای اکافه بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ از قبیل کشورهایی مثل کره جنوبی، چین آزاد و تایلند رشد اقتصادی، افزایش پس انداز و با افزایش صادرات قابل ملاحظه ای داشته اند. بطوریکه رشد اقتصادی کره در

سال ۱۹۶۶ به ۱۳/۸ درصد رسیده و پسا انداز آن کشور که در این سال ۲۰٪ محصول ناخالص ملی شده است و بین سالهای ۶۶-۱۹۵۶ سالیانه بطور متوسط صادرات این کشور ۲۶٪ افزوده شده است یاد کشور چین آزاد رشد اقتصادی از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ ۱۰ درصد سال بوده و پس انداز ۳۰٪ در آمد ملی بوده است و صادرات این کشور طی ۱۳ سال اخیر از رشدی معادل ۱۳ درصد در سال برخوردار بوده است یاد کشور تایلند که در سال ۱۹۶۶ رشد اقتصادی معادل ۱۱ درصد داشته است. البته این پیشرفتها بعلاوه وضع خوب صادرات، وضع مناسب ارزی، پس انداز و سرمایه گذاری بوده است. نکته ای که برای ما قابل ملاحظه است آنستکه کشورهایی نیز پیدا میشوند که با داشتن ۱/۲ میلیون دلار در آمد ارزی حاصل از فروش نفت میتوانند یک چنین موفقیتهایی بدست آورند. طبیعی است که ما انتظار داریم حال که تحت رهبری شاهنشاه همه گونه امکاناتی در اختیار دولت و ملت گذارده شده است از این فرصت حد اکثر استفاده بشود و حتی رشدی بمراتب بیش از ۱۲ درصد داشته باشیم.

جناب آقای نخست وزیر فرمودند در سالی که گذشت سیاست افزایش صادرات ما بنحو مطلوبی اجرا شد. افزایش صادرات غیر نفتی کشور در سال ۱۳۴۸ در حدود ۲۵ درصد پیش بینی میشود و با توجه به افزایش تولیدات داخلی واردات کالاهای مصرفی به سیر نزولی خود ادامه داد و نتیجتاً موجبات صرفه جوئی ارزی فراهم گردید. بطوریکه اعتبار کشور در بازارهای بین المللی پول بنحو محسوس افزایش یافت و تمایل سازمانهای مالی بین المللی و سرمایه گذاران خصوصی شرکت در برنامه های ایران بیش از پیش نمایان گردید.

البته از خبری که جناب آقای نخست وزیر دادند بسیار خوشحالیم ولی بنکاتی چند باید توجه داشت که ذیلاً بعرض نمایندگان دولت و همکاران ارجمنند میرسانم. اینجانب از جدولی که توسط بانک مرکزی راجع به دریافتها و پرداختهای ارزی کشور طی گزارش سالیانه و تراژ نامه خود

در پایان اسفند ۴۷ صفحه ۶۰ تهیه نموده استفاده میکنم.

سال	سال	سال	سال
۱۳۴۱	۱۳۴۶	۱۳۴۷	۱۳۵۱

دریافتهها و پرداختهای ارزی کشور (میلیون دلار)

دریافتههای بخش

نفت (۱) ۴۳۷/۲ ۸۵۷/۴ ۹۵۸/۵ ۱/۸۲۲/۵

خرید ارز از محل

صادرات کالا

(باستثنای نفت) ۸۲/۱ ۱۹۷/۵ ۲۰۸/۱ ۵۶۶/۷

فروش ارز برای

واردات کالا ۴۳۸/۹ ۱۲۰۵/۵ ۱۵۲۶/۸ ۲۱۲۵/۵

بخش خصوصی ۳۸۵/۶ ۷۵۶/۰ ۸۶۸/۰

بخش دولتی ۵۳/۳ ۴۴۹/۲ ۶۵۸/۸

استفاده از وامها

و اعتبارات بلند مدت

خارجی ۳۵۴/۵ ۲۵۶/۹ ۴۷۴/۶ ۳۹۴/۷

بازپرداخت اصل

وبهره وامها و اعتبارات

بلند مدت خارجی ۶۸/۵ ۷۸/۱ ۱۴۳/۴ ۳۶۱/۹

نسبت بازپرداخت اصل

وبهره وامها و اعتبارات

بلند مدت خارجی به

دریافتههای جاری

ارزی ۱۲/۰ ۶/۶ ۱۰/۸ ۱۴/۲

تولید نفت خیم

(میلیون بشکه) ۴۸۱/۶ ۹۴۷/۶ ۱۰۳۹/۴ ۱۰۷۵۲/۰

۱- شامل خرید ارز از کنسرسیون و سایر شرکتهای نفت است.

بطوریکه در جدول نامبرده ملاحظه میشود دریافتهای بخش

نفت از ۴۳۷/۲ میلیون دلار در سال ۱۳۴۱ به ۹۵۸/۵ میلیون

دلار در پایان سال ۱۳۴۷ رسیده و در سال ۱۳۵۱ تخمین برنامه

عمرانی است که به ۱۸۲۲/۵ میلیون دلار برسد. از طرفی خریدار

از محل صادرات کالا (باستثنای نفت) در سال چهارم و یک، ۸۲/۱

میلیون دلار بوده و در پایان سال ۴۷ به ۲۰۸/۱ میلیون دلار رسیده و تا پایان سال ۱۳۵۱ تخمین برنامه عمرانی است که به ۵۶۶/۷ میلیون دلار برسد. اگر امسال طبق گفته جناب آقای نخست وزیر صادرات غیر نفتی ما ۲۵٪ هم اضافه شود معادل صادرات غیر نفتی ما معادل ۲۶۰/۱ میلیون دلار خواهد شد و در حقیقت در سال ۴۸ فقط ۵۲ میلیون دلار بصادرات ما اضافه خواهد شد که باز برای آنکه ما حداقل بتوانیم به هدف برنامه عمرانی چهارم یعنی صادرات غیر نفتی معادل ۵۶۶/۷ میلیون دلار در سال ۱۳۵۱ برسیم باید در عرض سالهای ۴۹، ۵۰ و ۵۱ یعنی طی سه سال ۳۰۶/۶ میلیون دلار بصادرات غیر نفتی خود اضافه نمائیم و این بطور معادل ۱۰۲/۲ میلیون دلار اضافه صادرات در سالهای فوق الذکر میباشد. اینست که اینجانب از دولت تقاضا دارم حداکثر کوشش خود را برای رسیدن به هدف برنامه عمرانی چهارم بنماید و به ۲۵ درصد اضافه صادرات بهیچوجه راضی نباشد خاصه آنکه ما با تخصیص درصد قابل ملاحظه ای از برنامه های عمرانی برای طرحهای پتروشیمی و غیره بیش از این انتظار داریم. ضمناً من مطمئنم که اگر جهت ازدیاد صادرات بیشتر به پیشنهادات در نظر در بودجه ۴۸ من توجه میفرمودید حتماً نتیجه ای بیش از ۲۵ درصد اضافه صادرات میداشتید.

از تمایل سازمانهای بین المللی و سرمایه گذاران خصوصی شرکت در برنامه های ایران میتوان بیش از آنچه که در گذشته استفاده شده است استفاده شود. برای این منظور دولت نباید فقط بطرحهای برنامه عمرانی چهارم اکتفا کند و سعی نماید که سازمانهای بین المللی و سرمایه گذاران خصوصی در آنها شرکت نمایند بلکه باید طرح های صنعتی، صنعتی کشاورزی و کشاورزی آماده داشته باشد و سود خالص حاصل از این سرمایه گذارها بر آورده شده باشد تا پس از ارائه ده طرح بخارجها حتماً آنها در یک طرح شرکت نمایند. موضوع دیگر زیر بنای اقتصادی مربوط به طرح ها است که شما باید ضمن ارائه طرح قول دهید که زیر بنای اقتصادی مربوط به طرح از قبیل تلفن و تلگراف و فرودگاه و راه و بندر و غیره را

در صورتیکه خارجیها حاضر بشرکت شوند بموقع آماده و در دسترس استفاده آنها خواهد گذارد. شما با پول که دارید نمیتوانید زیربنای اقتصادی تمام ایران را در یک مدت کوتاه آماده نمایید. اینست که در هر جانشین با خارجیها بانسبت قابل ملاحظه ای میکیند یا خودتان طرح بزرگی پیاده میکیند باید حتماً وسائل را برای اجرا خوب طرح ها که بالمآل بفتح خود شما است آماده کنید. من با چند نفر خارجی که فرصتی شد و صحبت کردم دیدم که بعضی از آنها از کافی نبودن وسائل و نارسائی زیر بنای اقتصادی ناراحت بودند.

ملت ایران باجناب آقای هویدا نخست وزیر صد درصد موافق است که این کشور اگر از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای ثباتی بی نظیر در منطقه ای که هر لحظه بانصادهای نظامی و بحرانهای داخلی مواجه است میباشد بعزت کیاست و خرد بی نظیر رهبر عالیقدر ما است. من برای شما تعریفی میکنم که شنیدنی است امسال در تعطیلات اخیر مجلس فرصتی بدست آمد و به بافت حوزه انتخابیه ام رفتم. در آنجا از تمام رؤسای ادارات راجع بگرفتارهای مردم و خودشان سؤال میکردم. منجمله رئیس بانک کشاورزی بافت میگفت «با آنکه وضع راهها در بافت خوب نیست و شرکتهای تعاونی از هم فاصله زیاد دارند مع الوصف من هر دفعه سیصد هزار تومان پول به کنفر بدون اسلحه میدهم و او این پول را بایک موتورسیکلت کوچک به شرکتهای تعاونی میرود تا بحال بحمدالله هیچ پیش آمد بدی نشده است و پولها سالم بدست شرکتهای تعاونی رسیده است» این موضوع شاید بنظر بعضی از آقایان زیاد قابل ملاحظه نباشد ولی بافت تا همین ۲۰ سال قبل از این هیچگونه امنیتی نداشت و بعضی از دزدان معروف استان کرمان بعد از انجام عمل دزدی خود برای رفع خستگی بعزت خوش آب هوا بودنش باین ناحیه میآمدند. رئیس ژاندارمری بافت میگفت تنها کار من گرفتن سرباز است پرسیدم آیا مأمور شما تفنگ حمل میکند او گفت خیر. روزیکه بر میگشتم از بافت چون برف آمده بود دیدم در جاده بین بافت و سیرجان سربازی در جلو دستهایش را توی جیبش کرده و تعدادی افراد غیر

نظامی راه پاسگاه میرود. ژاندارم پیردیگری میگفت آقا بجای دزدگیری و بیایگی کشی نامه رسانی میکنم. بنابراین آقایان ملاحظه میفرمائید که نا امن ترین نقاط ایران امروز حتی از بسیاری از نقاط مرفقی جهان امن تر شده است این میرساند که تحت رهبری شاهنشاه عالیقدر ما فرصت بی نظیری نصیب ما شده است و ما باید با همگامی و همکاری حداعلا کوشش خود را جهت رشد اقتصادی بیشتر مملکت بکار ببریم.

درباره کشاورزی ایران که بتدریج وابسته بصنعت میشود و نسبت با ایجاد قطبهای کشاورزی و صنعتی و همچنین حمایت از دهقان از طریق شرکتهای تعاونی روستائی شرکتهای سهامی زراعی و خانه های فرهنگ روستائی خوشحالم.

بطوریکه ملاحظه میشود دولت در پی ایجاد یک نظام مرفقی کشاورزی است بنابراین باید دید بطور مثال نسبت به کشاورزی ما با یک نظام مرفقی کشاورزی چه تغییراتی باید حاصل شود و چه مشکلاتی فعلا در سر راه است که باید مرتفع گردد:

۱- سطح کشت در کشور ما باید توسعه یابد. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

- ۱- گران بودن آب در نقاط خشک کشور.
  - ۲- کند بودن کار ثبت.
  - ۳- اشکال زیاد برای گرفتن پروانه جهت استفاده از آبهای زیرزمینی.
  - ۴- اشکال گرفتن اعتبار در صورت نداشتن سرمایه اولیه.
  - ۵- کند کار کردن سازمانهای دادگستری.
- دوم - برداشت محصول را واحد سطح باید بالا رود. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:
- ۱- نبودن بذور مناسب.
  - ۲- عدم اطلاع فنی زارعین در مورد کشت و برداشت.
  - ۳- نبودن وسائل کار لازم که در خور توانائی خرید زارعین باشد.
  - ۴- عدم اطلاع زارعین در مورد اهمیت صاف

بودن زمین- گندزدائی آن- فاصله کشت درختان و غیره.

- ۵- عدم اطلاع زارعین راجع بنوع آبیاری لازم.
- ۶- عدم اطلاع زارعین از استفاده از کودهای سبزی و نبودن سازمانهایی جهت پخش کود های حیوانی و بذور مناسب کودهای سبزی.

سوم- از فروش محصول قیمت بیشتری باید عاید تولید کننده بشود. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

- ۱- تولید کننده جنشش را درست درجه بندی نمیکند.
- ۲- معمولاً نوع تولیدش از انواع پست و غیر مرغوب است.
- ۳- در موقع فروش قیمت واقعی محصول خود را نمیداند.

۴- مقدار قابل ملاحظه ای از محصولش را پیش از بدست آمدن بسلف میفروشد.

۵- چون خریداران گاهی معتبر نیستند پولش را میخورند.

۶- دارای انبارهای مناسب برای نگهداری محصولش نیست.

چهارم- مالیاتهای مزروعی باید بر مبنای یک سیاست صحیح توسعه کشاورزی تعیین گردد. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

- ۱- با بالا رفتن و پائین آمدن محصول در اثر خوبی یا بدی آب و هوا نوع مالیاتی تغییر نمیکنند.
- ۲- در صورتیکه برای بدست آوردن محصول، منبع آب رودخانه باشد که خرجی ندارد یا چاه عمیق باشد که خرجش سالیانه بین ۳۵ تا ۵۰ هزار تومان است مالیات مزروعی فرقی نمیگذارد.
- ۳- کارشناسان مالیاتی عمل نکرده هستند و نرخهای مالیاتی که تعیین میکنند یا خیلی زیاد و یا خیلی کم است.
- ۴- حقوق کارشناسان ناچیز است.

پنجم- رشد محصولات کشاورزی که مواد خام صنایع هستند باید بارشد صنایع همگامی داشته باشد: ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- عدم توجه دولت نسبت باینکه برق حاصل از

۱- تأثیر گذاردن وضع آب و هوا در کشاورزی در صورتیکه در صنعت زیاد مؤثر نیست.

۲- محدود بودن امکانات اعتباری دولت بمعنای واقعی.

۴- نوسانات شدید قیمت های محصولات کشاورزی فوق الذکر.

ششم- بیکاران در محیط دهات که باید برای آنها کار پیدا شود. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

- ۱- نداشتن سواد و حرفه.
- ۲- نداشتن سرمایه خصوصی.
- ۳- عدم توانائی مالی برای گرفتن سرمایه از دولت.
- ۴- نباید بودن به محیط ده خود از نظر اجتماعی و نرفتن بده دیگر. شهر یا مرکز استان برای گرفتن کار یا شروع بکاسبی.

هفتم - تمام منابع آب کشور ما که مخصوصاً کشاورزی است بایران کم باید مهار و مورد بهره برداری صحیح قرار گیرد. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

- ۱- عدم توانائی مالی دولت.
- ۲- عدم مطالعات کافی دولت راجع به اینکه بیش از ۵۰٪ آبهای موجود حدر میروند و هزینه تحقیقی جلوگیری آن.
- ۳- عدم توجه دولت باینکه میتوان با ساختن سدهای کوچک و ایجاد برق هم از برق آنها برای دهات استفاده نمود هم آب آشامیدنی برای بعضی از دهات تهیه نمود و هم اینکه جلوگیری از سیلابها باینکه قنوات زیادی را از کار میاندازند نمود.
- ۴- عدم توجه دولت نسبت با اهمیت سدهای زیر خاکی مخصوصاً که از این سدها میتوان در مناطق خشک مقداری آب تهیه نمود.
- ۵- عدم استفاده از روشهای جدید آبیاری.
- ۶- عدم توجه دولت نسبت باینکه برق حاصل از

سدهای کوچک چقدر میتواند برای دولت صرفه جوئی داشته باشد.

۷- عدم توجه دولت و زارعین باینکه دقیقاً چقدر میتوان از هدر رفتن آب در انتقال از محل منبع آب بمحل کشت صرفه جوئی کرد.

هشتم- اطلاعات مربوط به قیمت های محصولات کشاورزی در بازار مجاور باید روزانه بدست تولید کننده برسد: ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- عدم توجه کافی دولت به اهمیت این مطلب و اثری که در تثبیت قیمت ها و نفع مصرف کنندگان نهائی و زارعین دارد.

۲- نبودن تلگراف در دهات.

۳- نبودن تلفن در دهات.

۴- نبودن راه های مناسب مخصوصاً در زمستان.

۵- نبودن راديو كافي در تمام دهات.

۶- نبودن تلویزیون در دهات.

۷- نبودن روزنامه های مخصوص انتشار روزانه قیمت های مربوطه.

۸- نبودن بورس های سازمان داده شده خرید و فروش محصولات کشاورزی در شهرستانها.

نهم- سیاست واردات و صادرات محصولات کشاورزی باید بر مبنای حساب شده قرار گیرد. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- عدم توانائی بیش بینی محصولات سالیانه کشاورزی بطور دقیق.

۲- عدم توانائی پیش بینی تقاضا برای محصولات کشاورزی بطور دقیق.

۳- نداشتن انبارها- سردخانه ها- سیلوها- کامیونهای یخچالدار ترنهای یخچالدار و غیره.

۴- عدم آشنائی کافی نسبت به بازارهای خریداران. دهم- سیاست اعتبارات کشاورزی باید با اهداف سیاست اقتصادی کشاورزی تطبیق کند. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- مقدار اعتبارات کشاورزی باید کافی برای تقاضای موجود باشد ولی متأسفانه فعلاً خیلی کمبود دارد.

۲- نوع اعتبارات باید بانوع محصولات بخواند که فعلاً بقدر کافی همگامی ندارد.

۳- شرایط اعطاء اعتبارات کشاورزی گران و استفاده از آن خارج از توانائی عده ای از کشاورزان است.

۴- اعتبارات کشاورزی طوری ارزان نیست که اشخاص داوطلب بدون سرمایه بتوانند از آن استفاده و واحدهای تولیدی کشاورزی بوجود آورند.

یازدهم- دانشکده های کشاورزی باید کارشناسان کارآموده ای با کمک بخش خصوصی بوجود آورند.

ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- عدم اعتبارات کافی

۲- نداشتن استادان مجرب.

۳- نداشتن یک برنامه کار صحیح و عملی که با کشاورزی ما و مشکلات مربوطه اش تطبیق داشته باشد.

۴- نداشتن برنامه های تحقیقی در سطح دهات و روستاها.

۵- نداشتن برنامه های تحقیقی کافی در سطح دانشکده ها.

دوازدهم- تشکیلات مشورتی و راه نمائی باید در سطح شهرستانها و در سطح بالا بوجود آید. ولی اهم مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- نداشتن متخصصین ماشین آلات کشاورزی بقدر کافی.

۲- نداشتن متخصصین کشت بقدر کافی.

۳- نداشتن متخصصین باغداری بقدر کافی.

۴- نداشتن متخصصین دفع آفات بقدر کافی.

۵- نداشتن متخصصین خاک شناسی بقدر کافی.

۶- نداشتن متخصصین اقتصاد کشاورزی بقدر کافی.

۷- نداشتن متخصصین آبیاری بقدر کافی.

۸- نداشتن متخصصین دامداری بقدر کافی

سیزدهم- باید محیطی بوجود آید که سازمانهای خصوصی

کشاورزی از قبیل شرکتهای تعاونی، اتحادیه های تعاونی،

شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای کشت و صنعت

خودشان بوجود آید که دولت آنرا بوجود آورد. ولی اهم

مشکلاتی که در سر راه رسیدن باین هدف است عبارتند از:

۱- عدم آشنائی زارعین از استفاده هائیکه تعاونیها همراه دارد.

۲- باین بودن سطح سواد باین سواد زارعین.

۳- عدم همکاری صاحبان صنایع بازار عین و بالعکس

۴- عدم همکاری مردم بادولت بقدر کافی.

این بود تعدادی از کارهاییکه باید در یک کشاورزی

بسیار مترقی انجام گیرد و اهم مشکلاتی که در سر راه کارما

وجود دارد، البته با سرعتی که کشور عزیز ما پیش میرود

ضولی نخواهد کشید که تعداد زیادی از این مسائل بر طرف

خواهد شد و من موفقیت دولت را در رفع مسائل فوق الذکر

از خداوند متعال مسئلت دارم. ضمناً از فرصت استفاده

کرده از اینکه در نقطه در بودجه سال گذشته ام پیشنهاد

کرده بودم که بانک توسعه کشاورزی ای بر مبنای بانک توسعه

صنعتی ایران تشکیل دهد که بتواتر به پروژه های کشاورزی

صنعتی کشور کمک کرده، طرح های کشاورزی صنعتی

تهیه و برای سرمایه گذاری بخش خصوصی ارائه

نموده و در صورت لزوم خودش هم شریک شود. با تشکیل

صندوق توسعه کشاورزی قبول فرموده اید تشکر کنم.

خوشبختانه امسال کارخانه تراکتور سازی شروع

بکار خواهد کرد و سالیانه ۵۰۰۰ تراکتور ۶۵ اسب مونتاز

مینماید. امیدواریم بتواند تعدادی از این تراکتورها را

صادر نمائید ولی نکته اساسی که در این مورد باید ذکر کنم

آنستکه تهیه آب در ایران گران است و بهمین دلیل

کشاورزی جنوب ایران تبدیل به یک کشاورزی

باغداری میشود که متأسفانه از این تراکتورهای سنگین در

باغداری و زدن سنگین و بزرگی آنها نمیتوان استفاده

نمود. لذا پیشنهاد مینمایم دولت حتماً در سال جاری

تربیتی دهد که ما بتوانیم تراکتورهای کوچک را نیز در

ایران مونتاز و باقیمت مناسب در اختیار صاحبان باغات بگذاریم. ضمناً باید سعی شود تا بالاخره تمام وسائل مربوطه بآن در ایران ساخته شود.

نکته دیگریکه حائز اهمیت است تهیه سموم مورد احتیاج کشاورزان ماست که فعلاً اولاً بموقع بدست کشاورزان نمیرسد و ثانیاً قیمت آن گران است. لذا پیشنهاد مینمایم که دولت بفکر تهیه یک کارخانه بزرگ سم سازی که خوشبختانه با صنایع پتروشیمی ما متحد بودی وجه تشابه دارد باشد. ما حتی میتوانیم در صورت لزوم مقدار زیادی از این سموم را بخارج صادر نماییم.

یکی دیگر از کارخانجاتیکه دولت باید کمک بخش

خصوصی باینتهائی باید حتماً در فکر تهیه آن باشد کارخانه

تهیه وسائل یدکی برای موتورهای دیزل آبکشی و پمپ های

آب است که فعلاً فوق العاده گران و با آنکه روز بروز بر

تعداد این موتور ها و پمپ ها افزوده میشود متأسفانه وارد

کنندگان قیمت های سرسام آوری را از باغداران و زارعین

میگیرند و بطوریکه در خوزستان و اطراف تهران دیده شد با

قیمت برق موجود هنوز صرفه در بکار بردن موتورهای دیزلی

برای آبکشی است و تعدادی که تبدیل به الکترو پمپ کرده

بودند دوباره موتورهای دیزل سابق را بکار بردند.

هدف بخش صنایع و معادن در برنامه چهارم آنستکه ارزش

تولیدات این بخش از ۱۸۷ میلیارد ریال در پایان برنامه

سوم به ۳۷۶ میلیارد ریال در پایان برنامه چهارم برسد و ارزش

افزوده از ۷۰ میلیارد ریال به ۱۲۹ میلیارد ریال افزایش یابد.

رسیدن باین هدف مستلزم آنست که رشدی بطور متوسط ۱۵٪

در سال در بخش مذکور حاصل گردد که در نتیجه سهم

تولیدات صنایع و معادن در تولید ناخالص ملی از ۱۴/۱ به

۱۷/۳ درصد در انتهای برنامه چهارم برسد در حدود ۴۰۰

هزار شغل جدید که ۸۰٪ آن تولیدی است بوجود

آید.

برای مجسم شدن اهمیت این اهداف کافی است یاد

آور شوم که بزرگترین طرح صنعتی ما یعنی ذوب آهن بعد

از آنکه کاملاً شروع بفعالیت نماید کلاً ۱۵۰۰۰ کارگر

و کارمند خواهد داشت بنابراین ما اگر بخواهیم ۴۰۰

هزار شغل جدید در برنامه عمرانی چهارم بوجود آوریم

باید حدود ۲۷ طرح صنعتی بعهت کارخانه ذوب آهن بوجود آوریم تا به هدف برنامه چهارم خود برسیم.

بنابراین ملت و دولت باید با یکدیگر کاملاً همکاری نمایند تا مشکلات سر راه سرمایه گذاری و بهره برداری از صنایع رفع گردد و ضمناً حد اعلاى كوشش را در جهت توسعه محصولات صنعتی بنمایند.

مشکلات مربوط به کمبود مهارتها، تخصص و مدیریت باید بکمک بخش خصوصی و عمومی و همکاری هر دو انجام گیرد.

مشکلات حقوقی و قضائی مربوط به حمایت از حقوق صاحبان سهام باید توسط بخش عمومی بطریقی حل گردد که پس اندازهای کوچک بطرف شرکتهای سهامی بزرگ جلب گردد.

ضعف مدیریت و قلت کارآئی و کاربری در بعضی از سازمانهای کنونی صنایع و کمبود نسبی میزان بهره وری آنها در استفاده از سرمایه گذاری و وسائل ماشین آلات باید توسط بخش عمومی و خصوصی هر دو و با کمک یکدیگر حل گردد.

مطالعات و تحقیقات و بررسیهای لوازم فنی جهت اتوماسیون بیشتر و یا بکار بردن ماشینهای جدید در کارخانجات باید توسط بخش عمومی و بخش خصوصی انجام گیرد.

مطالعات و تحقیقات راجع به بازاریابی در خارج کشور باید توسط بخش عمومی و بخش خصوصی و همکاری هر دو انجام گیرد.

ارشاد و راهنمایی داوطلبان سرمایه گذاری در صنایع کوچک باید توسط بخش عمومی انجام گیرد.

صاحبان صنایع خصوصی باید در مورد بهبود کیفیت محصول خود و ارزان کردن قیمت محصولات و تطبیق دادن محصولات خود با استانداردهای جهانی کوشش نمایند. بخش عمومی باید سعی نماید حتی المقدور به بخش خصوصی در موارد فوق الذکر کمک نماید و نگذارد محصولات صنایع داخلی بدون مراعات استانداردهای جهانی وارد بازارهای خارجی شود.

بخش عمومی باید سعی نماید که سرمایه در گردش مورد نیاز صاحبان صنایع خصوصی را تأمین نماید.

بخش عمومی باید سعی نماید که سرمایه گذاران خصوصی بجای تهران بیشتر متوجه شهرستانها شوند. اینکار از طریق سیاست مالیاتی صحیح، دادن زمین، برق و آب ارزانتر و ایجاد امکانات خرید مواد خام ارزانتر و اعطاء اعتبارات ارزانتر امکان پذیر است. صاحبان صنایع خصوصی نیز باید با دولت کمال همکاری را بنمایند. ضمناً یاد آور میشود که تنها با ایجاد چند شهر صنعتی در شهرستانها این کار عملی نیست.

بخش عمومی باید سعی نماید که با بهتر کردن قانون کارگری بک روح تفاهم، دوستی و همکاری بیشتر بین کارگر و کارفرما بوجود آورد.

بخش عمومی باید اکتشاف در تمام نواحی کشور را راجع به پیدا کردن معادن جدید شروع نماید و بهره برداری آنها را طبق شرائط مناسبی به شرکتهای سهامی خصوصی که قدرت مالی کافی دارند و اگذار نماید. بخش عمومی باید برنامه ای جهت پروراندن متخصصین ماهر و کافی در رشته های مختلف معدن بر اساس روشهای پیشرفته شروع نماید و کمکهای فنی و اعتباری کافی بطوریکه برای بخش خصوصی صرف نماید در اختیار آنها بگذارد (صحیح است) و معدنکاران باید کلیه احتیاجات واقعی خود را به

بخش عمومی اطلاع دهند و همکاری کاملی با بخش عمومی نمایند بخش عمومی باید در جاهایی که معدنکاران راه، برق و آب با تأسیسات بندری ندارند با آنها کمک لازم را بنماید بخش عمومی باید برای بوجود آوردن سرمایه گذارهای بزرگ داخلی و جلب سرمایه گذارهای خارجی به مقیاس بزرگ در تشکیل شرکتهای سهامی خصوصی واقعی در تمام رشته های صنعتی و معدنی از هیچگونه کمک سرمایه گذاری موقتی و اعطاء اعتبارات لازم و ارشاد و هدایت اولیه کوتاهی نکند. تحت رهبری شاهنشاه عظیم الشان و ارشاد و راهنماییها و تصمیمات شجاعانه ای که همیشه گرفته اند و همچنین پیاده شدن بک بک مواد انقلاب، کشور ما سریعاً در مسیر توسعه اقتصادی قرار گرفته است (صحیح است) دولت نیز که خود در این توسعه اقتصادی شریک بوده است باید پیوسته چرخهای اداری خود را با این تحولات سریع و عظیم تطبیق داده پیش بینی های لازم را بنماید (صحیح

است) محصولات کشاورزی، صنعتی و معدنی ایران باید وارد بازارهای جهانی شود، بدین منظور تولید کنندگان و صادر کنندگان باید مرتباً از تغییرات و تحولاتیکه در بازارهای جهانی یا در تکنیک تولید پدید می آید آگاه شوند. مواد خام لازم صنعتی باید بقیمت ارزان بطور کلی خریداری و بین مصرف کنندگان تقسیم شود. از بین تکنیسین ها باید بهترین و ارزاترین انتخاب و بایران بیایند. اعتبارات خارجی باید ارزاتر از این در اختیار صاحبان صنایع داخلی قرار گیرد بطور کلی موقعیکه خریدار از محل صادرات کالا (باستثنای نفت) در سال ۴۷، ۲۰۸/۱۰ میلیون دلار و در سال ۴۸ حدود ۲۶۰/۱ میلیون دلار و در سال ۵۱، ۵۶۶ میلیون دلار تخمین زده میشود و همچنین فروش ارز برای واردات بخش خصوصی و بخش عمومی در سال ۴۷، ۱۵۲۶ میلیون دلار و در سال ۵۱، حدود ۲۱۲۵/۵ میلیون دلار تخمین زده میشود. یا بهتر بگویم در پایان برنامه چهارم جمع خرید ارز از محل صادرات کالا (باستثنای نفت) و فروش ارز برای واردات مبلغی حدود ۲۶۹۲/۲ میلیون دلار میشود آنوقت است که عظمت این خرید و فروش ارز و مسئولیت مربوط بآن احساس میشود.

بدین دلایل و تعدادی دلایل دیگر است که اینجانب پیشنهاد مینمایم که برای توسعه صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی، معدنی جلب سرمایه گذاران خارجی، خرید ماشین آلات بخش عمومی و خصوصی، برقراری تجارت خارجی، بازار کای جهت صادرات کلیه محصولات صادراتی ایران، برای گرفتن اعتبارات خارجی بزرگ، فروش اوراق بهادار دولت ایران در بازارهای خارجی، بستن قراردادهائی برای آوردن تکنیسین هائی بایران، خرید کلی مواد خام لازم کارخانجات داخلی از خارج که از حیثه امکانات اداره توسعه صادرات فعلی خارج است، دولت وزارت خانه ای تحت عنوان وزارت توسعه تولید و صادرات تشکیل دهد و یا در صورتیکه صلاح میدانند با دادن اعتبارات و بودجه بیشتر وزارت امور خارجه این مسئولیت را بعهده آن وزارتخانه بگذارند که علاوه بر انجام وظایف فعلی خود در انجام وظایف فوق الذکر همت گمارد. تعدادی از کشورها

از قبیل اسرائیل اینکار را تا حدودی شروع کرده اند و انگلستان نیز مشغول مطالعه در مورد پیاده کردن یک چنین فکری است. من از آنجائیکه به مدیریت، قدرت کار و دوراندیشی وزیر امور خارجه فعلی معتقد هستم، امیدوارم ایشان با اخذ اعتبارات لازم نسبت به قبول انجام وظایف فوق الذکر در صورتیکه وزارتخانه جدیدی تشکیل نشد موافقت نمایند. تا انشاء الله روزی رسد که بیش از ۵۰ درصد کار وزارت امور خارجه شامل این قبیل کارهای مفید و اساسی بشود. ضمناً جناب آقای نخست وزیر باید بودجه و کمکهای اولیه کافی و لازم را به وزارت توسعه تولید و صادرات و با وزارت امور خارجه هر کدام که تصمیم بگیرند که انجام این مسئولیتها را بعهده بگیرد، بکنند. مضافاً در صورتیکه بایشهاد اینجناب موافقت فرمودند باید امر مقرر فرمایند که نه تنها بودجه کافی در اختیار هر کدام از سازمانهای فوق الذکر که صلاح دانستند بگذارند، بلکه دستور فرمایند وزارتخانه های دیگر تمام اطلاعات و احتیاجات لازم را در اختیار سازمانهای فوق الذکر گذاشته و ادارات مربوطه از قبیل استانداردها و توسعه صادرات باین وزارتخانه انتقال یابند.

در سال گذشته پیشنهادات متعددی برای توسعه محصولات کشاورزی و صنعتی و جلوگیری از تورم در نطق بودجه ۴۸ خود نمودم که خوشبختانه بعضی از آنها از قبیل تشکیل صندوق توسعه کشاورزی و جلوگیری از تورم مورد قبول واقع شد. امید است امسال نیز هر کدام از پیشنهاداتم که مورد قبول و پسند دولت قرار میگیرد بصورت عمل درآید (انشاء الله).

در خاتمه بدولت بعثی عراق یاد آور میشوم که در مقابل هر گونه تصمیمی که میگیرد تنها تعداد طیاره ها، کشتی ها و سربازان غیور ما را بحساب نیاورد، بلکه بدانند در صورتیکه محبوب ملت ایران، شاهنشاه آریامهر امر بدفاع از حقوق ملت نجیب صلح دوست ایران فرمایند، بدون شك تمام ایرانیان در راه اجرای او امرش جانفشانی خواهند کرد (صحیح است) بعراضم، با عرض تشکر خاتمه میدهم (احسن - احسن).

رئیس - آقای مهندس اسدی سميع بعنوان موافق صحبت میکنند . بفرمائید .

**مهندس اسدی سميع** - باکسب اجازه از مقام معظم ریاست و همکاران محترم بنده باقتضای آنکه سالیانی چند در ده سکونت و اقامت داشتم و بار و ستاور و ستائیان مملکت چه از لحاظ آداب و سنن و رسوم که دارند و چه از لحاظ روابط اجتماعی و اقتصادی و روحیات آنها آشنائی دارم و باقتضای آنکه از آغاز اجرای قوانین و مقررات مربوط به اصلاحات ارضی و تعاون روستائی این افتخار را داشتم که در قسمتی از مراحل اجرائی در این سنگر بزرگ سربازی کوچک باشم و وظیفه ملی و میهنی خودم را در حد خود انجام دهم و باقتضای آنکه از آغاز بیست و یکمین دوره مقننه تا بحال که قریب هفت سال از آن میگذرد افتخار عضویت و مخبری کمیسیونهای کشاورزی و اصلاحات ارضی و تعاونی روستائی مجلس شورای ملی را داشته و دارم و همواره در جریان طرح و بررسی و تصویب قوانین مترقی در این زمینه میباشم و همچنین با دقت و کنجکاو و علاقه بسیار تاظر اجرای این قوانین و مقررات در روستاها و شاهد تحولات و دیگر گونههای شکر فنی که در اوضاع و احوال روستاها و روستائیان و بطور کلی مملکت بوجود آورده میباشم و باقتضای آنکه فکر میکنم لازم است در آرشيو مجلس شورای ملی گزارشی جامع در این زمینه که دیدهجهانیان را خیره داشته و حس احترام - تحسین - تمجید و تجلیل آنان را نسبت به شاهنشاه آریامهر رهبر بزرگ ملت ایران برانگیخته است بر اساس يك تجزیه و تحلیل علمی و مبتنی بر آعداد - ارقام و آمار و وجود داشته باشد خواستم از موقعیت طرح و بررسی بودجه بسیار درخشان و امیدبخش سال ۱۳۴۹ که دولت خدمتگزار و واقع بین هویدا تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی نموده اند استفاده کنم و مطالبی در این زمینه از لحاظ اقداماتی که وسیله دولت حزبی و وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی بخصوص با الهام از نيات اسس و ستانه رهبر ملت مبتکر انقلاب سفید ایران صورت گرفته است بعرض همکاران محترم برسانم . بنده در اینجا بهیچوجه در صد آن نسبتم از آنچه که در آن دوران سیاه قبل از انقلاب بر اثر يك سلسله روابط

غیر انسانی در روستاهای مملکت ماسایه افکنده بود سخن بگویم و به آن ناگواریها و نابسامانیها تنفر انگیز که برادران و خواهران عزیز روستائی ما که اکثریت ملت ایران را تشکیل میدهند قرنها تحمل میکردند اشارتی کنم زیرا اعتقاد دارم بهترین تصویری که برای تجسم اوضاع و احوال ناگوار آن روزگار ترسیم شده است . به خامه توانای رهبر ملت شاهنشاه آریامهر در کتاب انقلاب سفید منعکس است و بنده این افتخار را دارم که جملاتی چند از آن گزارش بخش مقدمه کلام خود بسازم « حیواناتی رامی بینید نروماده ، سیاه و از آفتاب سوخته . که در بیابان پریشانند و زمینی را که وابسته بدانند بادل بستگی تمام میکاوند و زیور و می کنند . شب هنگام بسور اخواهی خود میروند و در آنجا با لقمه نانی سیاه و کوزه ای آب سدجوع مینمایند . این مردم مشقت تخم پاشی و کشت کاری و حاصل برداری را از گردن دیگران برداشته اند و بهمین سبب رواست اگر از نانی که دسترنج ایشان است بالمره بی نصیب نمانند » .

این شرح را سه قرن پیش از این لایروبر نویسنده و متفکر معروف فرانسه درباره دهقانان آن روز کشور خود نوشت . ولی میتوان آنرا البته با تعدیلی خیلی بیشتر تصویری دانست که از بسیاری از کشاورزان ایرانی در دوران قبل از انجام اصلاحات ارضی اخیر ایران ترسیم شده است . این کلام ملوکانه بهترین نمودار واقعیات و حقایق تلخ آن روز مملکت ماست . اما رهبر دلسوز و بزرگ ملت در زمینه محو این آثار و گسترش عدالت اجتماعی امر به چه اقداماتی فرمودند ؟ در این زمینه فرمانی را که شاهنشاه آریامهر در سال ۱۳۲۹ در مورد تقسیم املاک سلطنتی بین زارعینی که بر روی این املاک کار میکردند صادر فرمودند باید بعنوان اولین گام در اجرای برنامه اصلاحات ارضی و دست زدن بانقلابی تلقی گردد که چهره اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور را تغییر داد و زمینه مناسبی را برای بسط عدالت اجتماعی و اجرای سایر اصول مترقی انقلاب سفید فراهم نمود .

در تعقیب این فرمان شاهنشاه آریامهر بود که دهات سلطنتی نقشه برداری شد و سهم تقسیم گردید . ولی اندکی بعد از آن اجرای برنامه تقسیم املاک سلطنتی توسط دولت

وقت که مخالف تعدیل مالکیت بود متوقف ماند . و فقط پس از سقوط آن حکومت بود که مجدداً این برنامه دنبال شد و تا اواسط سال ۱۳۳۷ که کار اجرای آن پایان رسید بیش از ۲۰۰ هزار هکتار زمین مزروعی بین ۲۵ هزار کشاورز تقسیم شده مقارن این اقدامات بانک عمران و تعاون روستائی در سال ۱۳۳۱ تشکیل گردید ، خرید تراکتور و کمباین برای کشاورزان ، حفر چاههای عمیق . ساختن خانه های بهداشتی روستائی از اقدامات این بانک بود و بسیاری از جوانان روستاها را برای فرا گرفتن فنون کشاورزی نوین به خارج از کشور گسیل داشت . متعاقب این اقدامات قانون تقسیم خالصجات دولتی در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسید و در سال ۱۳۳۷ به مرحله اجراء درآمد و این اراضی بین ۱۰۰ هزار خانواده روستائی تقسیم شد و بهر کدام ۱۰ هکتار از اراضی آبی یا ۱۵ هکتار از اراضی دیم رسید . و بدین ترتیب تا سال ۱۳۳۷ قریب ۱۲۵ هزار از کشاورزان مملکت صاحب زمین و آب شدند . اما هنوز کار اصلی باقی بود و املاک وسیعی در اختیار مالکین خصوصی قرار داشت شاهنشاه آریامهر در این باره میفرماید ، پس از اقدام به تقسیم املاک سلطنتی تا مدت زیادی امید داشتم که مالکان بزرگ دیگر نیز بدین اقدام تاسی کنند ولی متأسفانه جز دوسه نفر هیچک از ایشان پاسخ مثبتی بدین انتظار من ندادند و در نتیجه عملاً وضع غیر قابل تحمل ارباب ورعی در قسمت اعظم از کشور بحال خود باقی ماند .

در آن موقع زارع ایرانی بطور متوسط در آخر هر سال حداکثر ۱۰۰۰ - ۱۵۰۰ تومان درآمد داشت و اگر هر خد از زارع ۵ نفر تشکیل بشود بهر کدام ماهیانه ۲۵ تومان یا کمتر می رسد و اینرا چطور میشد قبول کرد ، در سال ۱۳۳۹ شاهنشاه آریامهر بدولت توصیه فرمودند که جهت اجرای اصلاحات ارضی و تقسیم املاک بزرگ مالکین لایحه ای تهیه و تقدیم پارلمان شود . هدف این بود . که محدودیتی برای املاک بزرگتین کشاورزان بوجود آید . سیستم ارباب ورعی در مملکت الغاء شود . کشاورزان شریف مملکت از حیثیت سسی برخوردار گردند و امکان بهره روری مستقیم را از کروز حمت خود داشته باشند ولی این لایحه آنچنان در

مجلس آن روز که اکثریت نمایندگان را صاحبان املاک بزرگ تشکیل میدادند مسخ گردید ، که بنام شیر بی بال و دم و اشکم نامیده شد . مثلاً بمالك اجازه داده شده بود تا دوسال از تصویب قانون قسمتی از املاک خود را به وراث قانونی خود منتقل نماید . یا هر قدر ار اراضی آبی و دیم که توانائی کشت و کار آنها دارد در تصرف خویش نگاهدارد . یا هر مقدار از اراضی خود را که مایل باشد قبل از شروع به تقسیم بزراع بفروشد و بعداً اگر چیزی باقی ماند تقسیم شود . ملاحظه میفرمائید که این قانون بکلی از آن اهداف منحرف شده و نمیتوانست منشاء اثر مفیدی در مملکت قرار گیرد . تا اینکه در ۱۹ دیماه ۱۳۴۰ لایحه قانونی اصلاحی قانون اصلاحات ارضی تصویب هیئت دولت رسید و بموقع اجرا گذاشته شد . بر اساس این قانون نصاب مالکیت در مملکت يك ده شش دانگ محدود شد . یعنی هر مالک میتوانست يك ده شش دانگ برای خود نگاهدارد و مازاد بر آنرا بدولت بفروشد که دولت به کشاورزان واگذار کند و البته اگر مالکی داوطلب بود میتوانست املاک خود را داوطلبانه بر اساس قانون بفروشد . با اجرای آن قانون در پایان مرحله اول تعداد دهات واگذار شده (مشمول - داوطلب - بنیاد پهلوی - خالصه) اعم از شش دانگ و کمتر از شش دانگ به ۱۵۸۴۳ قریه و ۸۰۱ مزرعه بالغ گردید . تعداد خانوار کشاورزان که مالک نسق های زراعی خود شدند ۷۳۵۷۰۹ خانوار یا ۳۵۹۰۸۳۸ نفر . و بهاء کلیه املاک خریداری شده ۱/۱۲۱۱۴۱۹۵۹۷۷۹۷ ریال . پرداختنی اصلاحات ارضی بابت قسط اول زمین بمالکین ۳۰۳۰۵۶۳۰۴۹ ریال . بنا بر این تا پایان مرحله اول قانون اصلاحات ارضی ۷۴۰ هزار خانوار کشاورز با ۳/۵ میلیون عائله مالك زمین شدند . گرچه با اجرای مرحله اول قانون اصلاحات ارضی بزرگترین جهش تاریخی بنفع طبقه کشاورز در مملکت ماصورت گرفت . ولی هنوز عده زیادی از زارعین مملکت که املاکشان در داخل شش دانگی هائی بود که مالکین برای خود نگاه داشته بودند . بازار عین مربوط به مالکین بودند که املاکشان از حد نصاب قانونی در مرحله اول تجاوز نمیکرد . این زارعین چندین برابر زارعینی را تشکیل میدادند که مالك زمین شده بودند . اینها باز اکثریتی بودند

که حاصل دسترنجان عاید اقلیتی میگردد ، علاوه بر آن اینها در جوار و همسایگی خود زارعینی میدیدند که مالک نسقهای زراعی خود شده بودند . دارای شرکت تعاونی شده بودند . و قسط کمی بابت بهای املاک خود در سال میپردازند . و از مزایای شرکتهای تعاونی روستائی استفاده میکنند . باربھی کمی وام دریافت میدارند ، اتحادیههای تعاونی برای آنها تسهیلاتی از لحاظ تهیه خواربار و سایر مایحتاج زندگی فراهم آورده است ، و البته این ناهم آهنگیها نیز قابل تحمل نبود . در اینموقع کنگره ملی شرکتهای تعاونی روستائی در روز ۱۹ دیمه ۱۳۴۱ تشکیل گردید . شاهنشاه آریامهر در این کنگره تاریخی فرمودند .

« بحکم مسئولیت پادشاهی و وفاداری به سوگندی که در حفظ حقوق و اعتلاء ملت ایران یاد کرده ام . نمیتوانم ناظر بظرفی در مبارزه قوای یزدانی با نیروی اهریمنی باشم . زیرا پرچم این مبارزه را خود بردوش گرفته ام ، برای اینکه هیچ قدرتی نتواند در آینده رژیم بردگی دهقان را از نو در مملکت مستقر سازد و ثروتهای ملی کشور را بتاراج جماعتی قلیل بسپارد . بنام رئیس قوای سه گانه مملکتی برای استنثار این اصلاحات از طریق مراجعه به آراء عمومی مستقیماً ب مردم ایران رجوع میکنم ، تا بعد از این منافع خصوصی هیچ کس و هیچ گروهی قادر به محو آثار این اصلاحات که آزادکننده دهقان از زنجیر اسارت رژیم ارباب و رعیتی و تأمین کننده آینده بهتر و عادلانه تر و مترقی تری برای طبقه شریف کارگر و بهبود زندگی کارمندان صدیق و زحمتکش دولت و رونق زندگی اصناف و پیشه وران است نباشد . »

شاهنشاه آریامهر میفرمایند در همان موقع و همان نطق خود پیش بینی کردم که دشمنان ملت ایران که بخاطر حفظ منافع خود مایلند ملت ایران در غرقاب مذلت و فقر و بیعدالتی بماند در تخریب این برنامه خواهند کوشید . این پیش بینی کاملاً وارد و واقع بینانه بود ، زیرا بلافاصله اقدامات تخریبی فراوانی حتی با قتل و شرارت آغاز شد که مهمترین آنها ، بلوای جنوب ، غائله نامیمون تهران در ۱۵ خرداد ماه سال ۱۳۴۲ بود که به تحریک عوامل ارتجاع

و سیله شخصی که مدعی روحانیت و دیانت بود صورت میگرفت ، در این هنگام رادبوهای آوارگان بی وطن حزب سابقه نوده حزبی که اصولاً بخدا شناسی مخالف بود بصدد آمده بود و از این شخص محرک بعنوان آیت اله تجلیل می کرد و مقام او را بعرض اعلی رسانیده بودند ، در صورتیکه اکثریت بزرگ و قریب بانفاق زو حانیون مملکت یعنی روحانیون واقعی از این تحریکات بکلی متنفر و منزجر بود . و ضمناً این هم آهنگی اتفاق و اتحاد دشمنان ایران را که در قطب های مختلف سیاسی بودند کاملاً نشان میدادند ، یکی دیگر از مظاهر فعالیت های این نیروی تخریبی واقعه ۲۱ فروردین ۴۳ بود . واقعه ای که در آن مشیت الهی یاب بهتر بگویم بک معجزه بزرگ شاهنشاه مارادرز بر رگبار گلوله حفظ نمود . این تلاش ها و کلیه تلاش های دیگر که برای از بین بردن اصلاحات اساسی ایران صورت میگرفت تلاش های مذبح خانه ای بود که نه تنها ذره ای تزلزل در رأی رهبر ملت ایران ایجاد ننمود بلکه ملت برهبری رهبر بزرگ خود با قاطعیت و کوبندگی به پیش میرفت . و در زمینه اصلاحات ارضی برای رفع تبعیضات موجود با تصویب قانون مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۰/۱۰/۲۷ وارد دومین مرحله انجام فرورم ارضی در مملکت گردید . اساس کار در این قانون الغای کامل رژیم ارباب و رعیتی و محو کلیه آثار ناشی از آن بود ، در مورد اراضی که در داخل ششدانگی و اراضی مالکینی که مشمول نشده بودند ، مالکین ملک خود را بر اساس معدل عایدات سه سال ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ بدون در نظر گرفتن عوارض مطابق عرف محل با جاره نقدی ۳۰ ساله ، هر ۵ سال فروش ملک به تراضی به زارعین . ملک به نسبت بهره مالکانه و حقا به نیز به نسبت و مطابق عرف بین مالک و زارع تقسیم شود در صورت توافق اکثریت زارعین و مالکین واحد سهامی زراعی تشکیل شود ، ضمناً در این قانون تکلیف املاک موقوفه بر حسب اینکه ملک وقف خاص باشد یا وقف عام مشخص شده بود ، در وقف عام ملک با جاره ۹۹ ساله نقدی و مال الاجاره هر ۵ سال قابل تجدیدنظر در وقف خاص طبق ماده ۹۰ قانون مدنی ملک به اجاره واگذار و عواید آن تبدیل به احسن میگردد . نتایج حاصل از این قانون یعنی اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی تا پایان ۴۸/۶/۳۱ بدین شرح میباشد .

آمار مربوط به اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی از بدو شروع تا پایان ۱۳۴۸/۶/۳۱ .

- ۱ - املاک موقوفه عام که با جاره داده شد ۹۴۸۲ رقبه و ۱۳۱۶۰۵ نفر زارع مستأجر .
- ۲ - املاک موقوفه خاص که با جاره داده شد ۹۸۴ رقبه و ۳۲۸۸۶ نفر زارع مستأجر .
- ۳ - خرده مالکینی که املاک خود را با جاره داده اند : ۲۱۰۰۱۷ نفر مالک و ۱۱۵۱۰۷۱ نفر زارع مستأجر .
- ۴ - مالکینی که ملک خود را به تراضی فروخته اند ۳۴۷۹ نفر مالک و ۵۶۲۰۵ نفر زارع خریدار .
- ۵ - زارعینکه نسق خود را ب مالک فروخته اند ۱۶۸۷۵ نفر زارع و ۷۸۲۱ نفر مالک خریدار .
- ۶ - تعداد دهاتی که واحد سهامی زراعی دارند ۵۶۰۳ رقبه و ۱۷۴۶۳۹ نفر سهامدار .
- ۷ - تقسیم املاک به نسبت بهره مالکانه بین ۱۷۶۶۳ نفر مالک و ۱۵۴۱۰۴ نفر زارع .
- ۸ - مالکینی که شخصاً زراعت میکنند ۸۰۱۸۴۸ نفر .
- ۹ - قراء بایره ۶۸۸۳ قریه .
- ۱۰ - تعداد خانوار زارعین که وضعیت قانونی آنها روشن شده ۲۴۶۶۲۹۲ خانوار .
- ۱۱ - تعداد عائله زارعین که وضعیت قانونی آنها روشن شده ۱۲۱۸۰۷۳۳ میلیون نفر .
- ۱۲ - عملیات اجرایی مرحله دوم قانون در سطح روستاها جمعاً در ۵۴۲۷۹ قریه و ۱۹۴۹۱ مزرعه خاتمه یافته .

گرچه نتایج حاصل از اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی در مرحله اول و دوم بسیار درخشان و ارزنده و چشم گیر بود اما در پایان مرحله دوم یکمده زارع در مملکت صاحب ملک و آب شده بودند ، یکمده زارع مستأجر سی ساله شده بودند ، یکمده زارع صاحب ملک شده ولی سهامدار با عضو واحد سهامی زراعی شده بودند . تأمین عدالت اجتماعی مورد نظر رهبر ملت ایران طبقه

بندی زارعین زحمتکش را به زارع مالک و زارع مستأجر و زارع عضو واحد سهامی زراعی تأیید نمی نمود و موجبات رشد کشاورزی مملکت را بصورت مورد نظر فراهم نمی کرد ، در زمینه رفع این تبعیضات همکاران محترم در ۲۴ آذر ماه سال گذشته یکی از لوائح بسیار مفید و انقلابی را تصویب فرمودید و آن قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره بزارعین بود ، اینک که قریب یکسال از اجرای این قانون میگذرد نتایج حاصله بدین شرح است :

- ۱ - تعداد مالکین مشمول قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره بزارعین مستأجر ۲۸۵۹۹۳ نفر .
- ۲ - تعداد خانوار زارعین که از اجرای مقررات این مرحله از قانون صاحب آب و ملک شخصی خواهند شد ۱۳۰۵۶۵۵ خانوار .
- ۳ - تعداد کل اظهارنامه های دریافت شده در مهلت مقرر ۲۰۵۴۷۲ فقره .
- ۴ - تعداد اظهارنامه های دریافت شده مربوط به شق تقسیم ۱۸۲۰۸۴ فقره .
- ۵ - تعداد اظهارنامه های دریافت شده مربوط به شق فروش ۲۳۳۸۸ فقره .

**رئیس -** آقای مهندس اسدی سمیع ممکن است بقیه مطالبتان را به جلسه بعد از ظهر موکول بفرمائید .

**مهندس اسدی سمیع -** اطاعت میکنم .

**۴ - تصویب صورت جلسه**

**رئیس -** صورت جلسه صبح یکشنبه سوم اسفند خدمت خانمها و آقایان توزیع شده است نظری نیست ؟ ( اظهاری نشد ) صورت جلسه تصویب می شود .

**۵ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه**

**رئیس -** با اجازه خانمها و آقایان جلسه صبح امروز را ختم می کنیم جلسه آینده بساعت سه بعد از ظهر موکول می شود .

( یک ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - **عبدالله ریاضی**